

اسنادی از چریکهای فدائی خلق پیرامون

سیستم پلیس سیاسی

و

تجارب باز جوئی

۵۴

از انتشارات باخترا مروز

سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

آبان ۵۲

فهرست

الف

مقدمه

کتاب اول - تجارب بازجوئی و شکنجه :

۱	تجارب بازجوئی
۱۰	شیوه‌های بازجوئی و تضعیف روحیه
۲۸	شکنجه
کتاب دوم - سیستم پلیسی ایران و روش‌های آن :	
۱	سیستم پلیسی ایران
۱۰	سیستم کنترل پلیسی
۱۲	نفوذ پلیسی
۱۶	سازماندهی کسب اطلاعات
۱۷	تعقیب و ردگیری و پرورش اطلاعات
۱۹	دستگیری، بازجوئی، شکنجه، اعتراف
۳۲	نتیجه گیری

مقدمه

مجموعه حاضر از طرف چریکهای فدائی خلق در دو جزوه جد اگانه بنام های "تجربیات بازجوئی و شکنجه" و "سیستم پلیس سیاسی ایران و روش های آن" ، با استفاده از امکانات چریکی در ایران چاپ شده است . بصورت ضمیمه "سیستم پلیسی . . ." جزوی دیگری در مورد "چگونگی دستگیری عده‌های از مبارزین" انتشار یافته است .

برای عده‌ای که هنوز کاملاً آگاه نیستند انتشار این مسائل معکن است عجیب جلوه کند ، چه چریکها با قاطعیت انقلابی ، هر نوع تزلزلی را در افراد کوییده‌اند و روی بسیاری از خطاهای انجشته گذاشته اند ، و در این برخورد ، از خطای هیچکس ، ولو قهرمان ترین انقلابی‌ها گذشت نکرده‌اند .

لازم بتذکر نیست که مطالبی که در این مجموعه آمده‌است ، مطالبی است که از نظر پلیس فاش شده و لذا احتیاجی به مخفی نگاه داشتن آنها نبوده‌است انتشار این درس‌ها که از تجربه آموخته شده ، کمک

ب

گرانقدری است برای همه مبارزین ؛ و بدین ترتیب است که ثداوم انقلابی حفظ می‌شود و اند و ختم تجارب خلق غنی‌تر می‌گردد .

از مطالب این مجموعه ، که هر سطر آن با خون شهیدی نوشته شده است ، بسرعت نباید گذشت . آنها را باید با دقت و سواس‌آمیز خواند و از میان آنها سیستمی که با مجموعه کار هر فرد مشخص می‌خواند استخراج کرد و دقیقاً بکار برد . اطمینان قاطع داریم که این مجموعه می‌تواند از بسیاری از تلفات غیر ضروری جلوگیری کند و خلق را در شناخت پلیس و مبارزه با آن یاری رساند .
به چند نکته زیر توجه گنید :

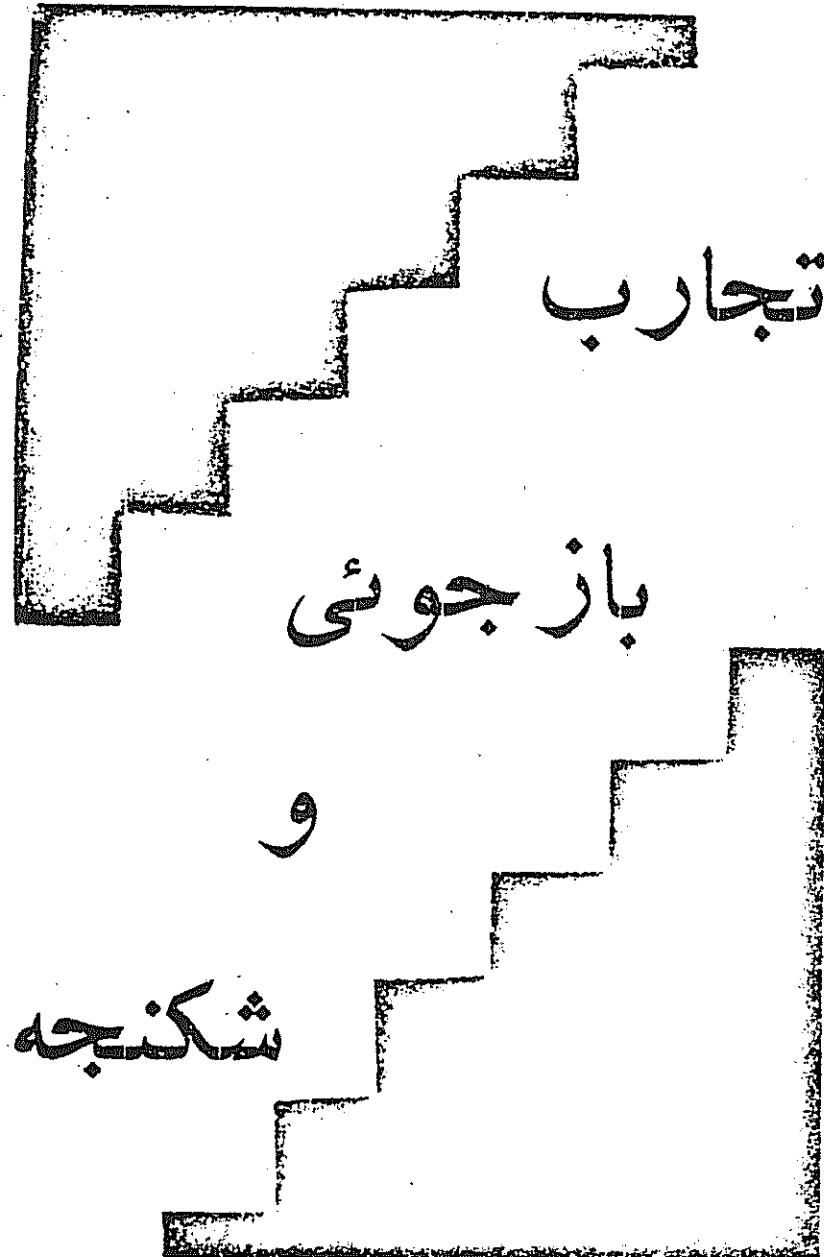
در متون اصلی چند جا افتادگی وجود داشته که در محل خود توضیح داده شده است . در مورد میزان اطلاعی که نواب بوشهری به ساواک داده ، بعلت ناخوانا بودن چند پاراگراف از متن ، معلوم نشد که تعداد صفحات ۶۰ و یا ۶۰۰ است . در هر مورد ، عددی را که در آن صفحه خوانا تر بوده

ج

- است آورده‌ایم، بنابراین نباید آنرا حمل بر تناقض کرد.
نحوه انتشار جزوای انقلابیون توسط ما، به
ترتیب تاریخ نوشته شدن آنها نیست. یعنی ممکن
است جزوای بعد از جزو دیگر نوشته شده باشد
ولی قبل از آن منتشر گردد. اشکال در دسترسی به
پاره‌ای از مطالب و ملاحظات امنیتی از عوامل این
عدم ترتیب هستند.

همانطور که در مقدمه سایر آثار گوشزد کرده‌ایم
پخش این جزوای در ایران بسیار مشکل استو پسیاری
از مبارزین غیر مشکل به آنان دسترسی ندارند،
بنابراین وظیفه مسلم همه ماست که بهر نحو ممکن و با
در نظر گرفتن مسائل امنیتی، این جزوای را با ایران
بفرستیم و نگذاریم که فشار و اختناق ما را از ادای
وظیفه غیر قابل عدمان بازدارد.

سازمانهای جبهه ملی ایران خارج از کشور
(بخش خاور میانه)



چرا که عوامل خارجی شرط تحول و عوامل داخلی اساس تحولند. یعنی عوامل خارجی به اعتبار عوامل داخلی است که موثر واقع میشوند. در اینجا نیز تمام شیوه های سازمان امنیت برای به حرف در آوردن فرد اسیر، از بلوغ زدن و شیوه های روانی گرفته تا انواع شکنجه های وحشیانه، همه و همه عوامل خارجی هستند که به اعتبار شخصیت و روحیه فرد دستگیر شده موثر واقع میشوند و در واقع این شکنجه گر نیست که اسیر را بحرف در می آورد، بلکه این اسیر است که تصمیم میگیرد حرف بزند. و اگر فرد دستگیر شده دارای شخصیت واقعاً انقلابی بوده و مصمم باشد که حرف نزنند، شکنجه ساواک در مقابل چنین روحیه سرسخت و شکست ناپذیر کاری از پیش نمیبرد، چرا که عامل تعیین کننده در اینجا خود فرد اسیر، شخصیت انقلابی و روحیه شکست ناپذیر شعبی باشد، نه شکنجه.

بنابر این در مواردی که ضعف نشان داده شده است، علت تعیین کننده همان عوامل درونی

تجارب بازجوئی

عامل تعیین کننده وضع بازجوئی فرد، روحیه اوست. عملاً دیده شده که روحیه افراد در اثر شرایط جدیدی که پیش می آید (دستگیری) خیلی متفاوت است، ساواک هم سعی میکند بكمک عواملی روحیه فرد را شکسته و اورا ودار به اعتراف نماید. شکی نیست که نمیتوان تاثیر این روش ها و عوامل را درست کم گرفت، چه دیده شده که افرادی ضعیف نشان داده و بعضی نیز تا مرحله خیانت آشکار پیش رفته اند. البته متقابلاً افرادی با چنان شخصیت انقلابی نیز بوده اند که شیوه های ساواک در مورد آنها بی تاثیر بوده است. چرا افراد اینقدر با هم تفاوت دارند؟ عوامل تعیین کننده کدامند؟ با استفاده از تجارب بازجوئی میتوان آگاهانه با این روش ها روپرورد و اطلاعات کمتری در اختیار ساواک گذاشت. اما اشتباه است اگر تصور شود که آگاهی به تاثیر عوامل خارجی تمام مشکل را میتواند حل کند

• مانند دارا بودن روحیه سرسخت و شکست ناپذیر و وسرشار بودن از ایمان عمیق و واقعی به پیروزی توده ها . . . در زیر انواع شکنجه های ساواک قهرمانانه مقاومت کرده اند و اگر زرنگی های بالا ازشان بر نمی آمد ه مطلقاً سکوت کرده و به شهادت رسیده اند . شاهرج هدایتی یکی از این نمونه هاست که دلیرانه در زیر شکنجه های فاشیستی سکوت کرد و در حالی که دشمن مذبوحانه دست و پا میزد و بخود میپیچید که او را بحرف بیاورد قهرمانانه به شهادت رسید و اسرار خلق را برای همیشه در سینه اش حفظ نموده .

۲ - ذهنی گری

آنها ای که بیشتر دانش کابی دارند و کمتر به عمل پرداخته اند ، بعلت اینکه تضاد بین تئوری و عمل را در وجود شان حل نکرده اند و بیشتر در روابطی سهل ها قدم زده اند تا سختی ها دارای شخصیتی ذهنی و تو خالیند ، اینها بخود پر بها میدهند ، یعنی به هر نتیجه ای که رسیدند فکر میکنند که بهترین است ، از جمله صلاحیت قائل شدن بخود در بازجویی ،

بوده اند نه خارجی . این عوامل را بررسی میکنیم :
۱ - عدم شرکت در فعالیت های تولیدی و عملی . عناصری که بعلت وضع طبقاتی در فعالیت های تولید شرکت نکرده و یا کلی تربگوئیم برخورد شان با پراتیک اجتماعی کم است در نتیجه زرنگی یکنفر زحمتکش و راننده ، بازاری . . . راندارند و همین سادگی ضعفی است که در بازجوئی بخوبی نمایان میشود ، باز بهمین دلیل است که کسانی که زندگی پر ماجرا ئی را شته و بقول معروف بچه زرنگ و تحسی بوده اند این خصوصیاتشان در بازجوئی فوق العاده موثر واقع میشود : بسادگی نم پس نمیدهند ، مامورین را درست می اند ازند و بزودی تحت تاثیر گفته ها و صحنہ سازی های آنها قرار نمیگیرند ، و به آسانی بلوف نمیخورند . . .

البته بر خورد ار نبودن از چنین زرنگی را این انقلابی بخوبی میتواند جبران کند . و تجربه نشان داده است که رزمندگانی از چنین زرنگی هایی بر خود ار نبوده اند ولی بعلت عوامل درونی دیگری

باين معنى است که بعلت ضعف درونی خود و موثر ولای شدن شیوه های ساواک در تضعیف روحیه اش به این فکر میرسد که دیگر مقاومت فایده ای ندارد ، همه چیز رو شده و یا رو خواهد شد ، بنابر این بهتر است خود مان بگوئیم تا اینکه به کارهای تحت مسئولیت ما فشار بیاید . بطوریکه اطلاعات مربوط به دیگران را هم لو مید هد ، و به سایرین هم توصیه میکند که همه چیز رو شده و آنها هم بهتر است اطلاعات خود را در اختیار دشمن بگذارند (زیرا که باصطلاح خودش شرایط را سنجدید) و باين ترتیب شرایط سخترا دست کم میگیرند و قبل از فکر میکنند که شکنجه روی آنها موثر واقع نمیشود و همچنانکه فکر میکنند میتوانند قهرمانانه در یک عمل نظامی بزرگ نقشی مهم ایفا نمایند و آنگاه در برخورد با واقعیات و عمل ، شخصیت واقعی شان نمایان میشود ، و هر چه ذهنی برخورد کرد و دوری از عمل بیشتر باشد این ضربه شدیدتر است .

خصوصیت دیگرشان اینکه در وسوسات فکری (ذهنیگری) هستند و در برخوردشان با ساواک هم روش های دیپلماتیک و سازش کارانه (عدم قاطعیت انقلابی) در پیش میگیرند و با آنها به مذاکره و معامله می پردازند . ایمان به پیروزی در این افراد شکل تئوریک دارد ، یعنی نمونه های کوچک و فراوان در این مورد لمس نکرده اند و نسبت به نیروهای تکاملی جامعه هم دید عینی ندارند ، چون کمتر در عمل بوده اند به قدرت خود و سایر انقلابیون یعنی به نیروی واقعی انسان ایمان ندارند . علاوه بر اینکه اند که چگونه از دریچه های کوچک جریانی شروع شده و به نتایج درخشان میرسد و اغلب رچار گنده بینی هستند ، به این جهت حد اقل بطور تاکتیکی زود مایوس میشوند . (فکر میکنند که درست است که مبارزه به بن بستنی رسد و بالاخره پیروز میشود ولی فعل اما در این مرحله شکست خورده و باخته ایم) که عامل خیلی موثر در تضعیف روحیه است . باين جهت تکیه کلام ساواکی ها این است که : بالاخره باید قبول کنید که الان اسیر هستید

و با وجود هدف مقدس شکست خورده‌اید و در این قمار باختید و این واقعیتی است .
سایر خصوصیات طبقاتی

خود را نمی‌بازد و ایمان و اتکاً بنفس دارد، راحت طلبی‌های گذشته خیلی موثر واقع می‌شود، مثلاً محبت بعضی مامورین و خدمت آنها برای ایجاد اوضاع بهتر در زندان (دادن چای و سیگار و غذای بهتر و بخصوص سلام و علیک و نرم صحبت کردن و احترام قائل شدن، شوخی کردن . . .) طوری یک فرد را جذب می‌کند که رابطه دوستانه‌ای ایجاد شده و فرد دیگر نمی‌تواند کلک زده و در برابر سئوالات دروغ بگوید و اصلاً یک وابستگی باین رابطه ایجاد می‌شود و می‌ترسد کاری کند که این رابطه آرام‌خوب تبدیل به رابطه خشن و فحش و شکنجه . . . شود . (ساواکی‌ها از این روش خیلی استفاده می‌کنند). بریدن از زندگی ثابت و آرام، خراب کردن تمام پلهای پشت سر، زندگی در شرایط سخت، و زندگی مخفی، شرکت در عمل و درگیری با پلیس و اصولاً شورش بر علیه نظام حاکم و روابط موجود، تنبیه‌های بد نی . . . در پذیرش واقعی شکنجه‌وداشتن قاطعیت و روحیه خشن و انقلابی و عدم سازش در

برابر ساواک ، خیلی موثر است و ساواکی ها را عمدلا خلع سلاح میکند چون حربهای بالاتر از شکنجهند ارند عمل ثابت شده است که برای بالابردن روح مقاومت ، کار تئوریک ، آن ارزش فوق العاده ای را که عموما بآن قائل میشوند ندارد . کار تئوریک به اعتبار خصوصیات انقلابی ذکر شده میتواند اثر مثبت داشته باشد . البته ما منکر تاثیر کار تئوریک نیستیم ، چه همانطوری که افرادی که از لحاظ تئوری در سطح نسبتا بالائی بوده اند بعلت ضعف شخصیت انقلابی در چار یاس شده و در زیر شکنجه ضعف نشان داره اند ، کسانی هم که دید کافی تحلیلی ندارند بعلت عدم درک شرایط بوجود آمده و ضربه واردہ در چار یاس می شوند . نمونه این افراد در سطح پائین در بعضی از گروهها دیده شده است . (اردبیلچی که در عمل کلانتری تبریز هم شرکت داشت ، پس از دستگیری بعلت ضعف تئوریک روحیه اش خیلی ضعیف شده بود)

شیوه های بازجوئی و تضییف روحیه

۱ - تحفیر شخصیت و ترساندن :

در یک اطاق ، چند نفری دور فرد جمع میشوند و همراه با فحش های رکیک مرتبا چک ولگد میزنند (مثلا " مهندس چند دفعه کون دادی ؟ " ، " خواهر چند سال دارد ؟ " چطوره ؟) .

نباید گذاشت از ما نقاط ضعف بدست آورند و اگر متوجه شوند که کسی از فحش های ناموسی و رکیک ناراحت میشود یا از لخت شدن هراس دارد و یا از بعضی شکنجه ها و اعمال قبیح میترسد و یا کم حوصله است ، و تحمل بیخوابی و گرسنگی و . . . را ندارد و از این قبیل ، روی نقطه ضعف او تکیه کرده و از آن نقطه به آزار او میپردازند . باید توجه کرد که در مقا بل دشمنی ایستاده ایم که وحشی ترین و رذل ترین و پست ترین موجود است و از هیچ کاری ابائی ندارد ، بنابر این باید خودرا کاملا آماده برای

روپروردن با هر علی نمود و برای بالا رفتن روحیه مقاومت، باید رفتار خصمانه و تهاجمی خود را با عوامل ساواک در هر وضعیت و شرایطی حفظ کرد.

۲- روپروردن با رفیق دیگر یا فرد مسئول :

برای اثبات اینکه همه چیز لورفته و یا نشان دادن پرونده بازجوئی افراد دیگر، ذکر قسمتهای که جزئیات را در موردی شرح داده است به این عنوان که فلانی از تو مهتر بود اینقدر بازجوئی پس داده و تمام جزئیات را نوشته است (که چه بساخوند این جزئیات را برای پر کردن پرونده نوشته باشد، مثلاً رمز، نحوه آشنایی، و یا ملاقات کردن با یک فرد از نظر ساعت و محل یا ذکر کارهای عادی غیرسازمانی) علاوه دیده شده که این روش در تضعیف روحیه خیلی موثر بوده است. در چنین مواقعي فردی که او را با رفیقی که جدیداً دستگیر شده روپرورد میکند باید توجه کند که حرکات و رفتار و گفته هایش شدیداً روی طرف اثر میگذارد. چون رفیق دستگیر شده در یک حالت فوق العاده است و به انحصار مختلف باید کمک به بالا

بردن روحیه او با ذکر جملاتی در حد اطلاعات لو رفته بنماید، مثلاً علامت دادن با چشم و دست و تکذیب بعضی گفته های مامورین، ذکر جریانات گذشته یا اطلاعات عوضی که رفیق متوجه دروغ بودن آنها بشود، لازم است که فرد قبل جملاتی را برای چنین مواقعي فکر کرده باشد و یا در پرونده اگر مجبور به ذکر جزئیات است اغلب آنها را عوضی بنویسد که ساواک نتواند از آنها که بظاهر کم اهمیت هستند استفاده کند.

باید توجه کرد که اطلاعاتی که تصور میشود سر انجام ساواک به آنها خواهد رسید نباید دراختیار رشگذاشت، زیرا اولاً راه را برای سوالات بعدی فراهم میکند، ثانیاً معکن است از این جهت که باید وقت زیاری برای آن بگذرد از آن صرف نظر کند.

نباید از این بیم راشت که بعد ا مسئله ای روش شود که ما آنرا کتمان کرده بودیم، یا دروغی که گفته بودیم فاش شود. در آن صورت میتوان خود را به فراموشی و ترس از مجازات زد. آنها موقعی که

ما حقیقت را هم میگوئیم به حرفهای عان اطمینان صد در صد ندارند و انتظار دارند که ما به آنها دروغ بگوئیم و برای فرار از مجازات خیلی از مسائل را انکار کنیم .

در مورد اخبار و اطلاعات غیر دقیق که متکی به گزارش یا اعتراف یکی دو نفر بوده ، باید بطور کلی تکذیب کرد و آنرا ناشی از دروغگوئی دیگران یا گزاره گوئی عناصر ساواک دانست . از انکار کردن نباید هراسید ، حتی اگر دستنویس ما را هم بعنوان مدرک بما نشان دهند باز هم میتوان انکار کرد و آنرا به جعل ساواک نسبت داد .

در صورت لورفتن پارهای از مسائل نباید تصور کرد که دیگر امکان مقاومت وجود ندارد مد رهیج لحظه‌ای نباید همه چیز را تمام شده تصور کرد ، این نقطه شکستن روحیه ماست . در اینصورت کسی که دچار چنین یاسی شود همه چیز را در اختیار دشمن میگذرد و همه اینها تیغی خواهد شد بر علیه دیگر ان . در نوشتن ورقه بازجوئی باید سعی کرد که

؛ مطالب را بقدرتی پراکنده و غیر مرتب نوشت که امکان تمرکز فکر را از بازجویی سلب کند ، زیرا وقتی مطلبی مرتب و منظم و خوش خط نوشته شود بازجو با آرامش حواس و بسهولت قادر است آنرا مورد بررسی قرار دهد و مطالب نو و سوالات جدید از آن استخراج کند ولی در غیر اینصورت بیزودی خسته شده آنرا رها میکند خصوصا از نوشتن مطالبی که در مجموع مسئله جدید را روشن میکند باید خود را از کرد .

در حالت خستگی باید از نوشتن سر باز زد چون ممکن است مطلبی بدون فکر نوشته شود .

ویرقه بازجوئی باید حاوی مطالب سطحی و پراکنده و بدون صحتی باشد (کاغذ سیاه کن) تا بازجو نتواند ذهنش را روی مسئله خاصی متمرکز کند . باید فکر کرد که مورا از ماست میکشند و بالاخره به تمام جزئیات خواهند رسید یا اینکه از هر نظر مطلع اند و سیفه هند . بهیچوجه باید بر اساس حدسیات حرف زد که حتیما فلان بطلب لورفته و یا فلانی حتیما خواهد گفت و ... باید توجه داشت که گفتن یک

«کلمه بی حساب و یک اشید و نجهت، راه را برای بقیه مسئله باز نمی کند، باز پرس به سادگی از یک مسئله نعی گذرد.

باید از ذکر دقیق تاریخ و محل حوار شوافراد و نکات دیگر که علاوه بر امکان اشتباه و تناقض، باعث پی جوشی میگردند خود را داری نمود. وقتی از تاریخ دقیق و محل دقیق حادثه ای نام برده میشود باین خطر باید توجه داشت که وقتی باز پرس از حادثه ای هر قدر بی اهمیت مطلع شد از این اطلاع خود بزای بلوف زدن به سایر رفقا استفاده خواهد کرد و بعضی ها وقتی میبینند که باز پرس اینقدر دقیق از کارهای آنها اطلاع دارد شوکه میشوند و خود را میازند و آنگاه اطلاعات بیشتری در اختیار دشمن خواهند گذارد. (۱)

(۱) — فردی در بازجوشی بمنظور کاغذ پر کرد نسخی کرد و بود حواری غیر مهم را با کلیه مشخصاتش تشریح کند مثلا نوشته بود که: "در ساعت ۱۲ ظهر روز دو

فرد دستگیر شده اولا باید فرض کند که معکن است سایرین خیانت کرده باشند و به او هم توصیه کنند که همه چیز را بگوید و او باید فقط بخود متکی باشد و به بیچوجه تحت تاثیر خیانتهای دیگران قرار نگیرد و به نیروی لا یزال خلق بیندیشد. ثانیا باید احتمال بد هد که رفیقش مطالبه را برای پر کردن ورقه اش نوشته باشد و ساواک از آنها برای بلوف زدن به از استفاده کرده است.

بقیه پا ورقی :

شنبه با فلان شخص از خیابان میگذرد شتیم من گفشهایم را دارم واکس زدن و سپس سوار فلان ماشین شدیم ... وقتی باز پرس از رفیق او رفتہ بود که توجه چیزی را میخواهی انکار کشی، ما قدر چند مرتعه قیب شدیم بودیم و هست چیز را میدانیم تنها میخواهیم بدانیم که شما تا چه حد راست میگوئید. برای نمونه شما در ساعت ۱۲ روز ... رفیق (بقیه پا ورقی در هنر اصلی جا افتاده است.)

۳- ارائه مدارک :

فرد دستگیر شده نباید فکر کند که چون مدارک به دست دشمن افتاده است پس همه چیزهایی که در آنجا [از فحوای مطلب پیدا است که در متن اصلی چند پارagraf افتاده است امیدواریم در آتیه آنرا تصحیح کنیم - جببهه علی خاور میانه] .

یا مثلاً گاظم سلاحی تا حد تها بعنوان یک فرد روش فکر چیز ساده در زندان بود تا اینکه بعد ا معلوم شد از شرکت کنندگان مصادریه باشند و نک بوده است نمونه ای یگر از مردم شناخت رمز و جوهر نامه ای است، چنانکه نامه ها و دفترچه هایی که نشاند هنده استفاده از رمز و جوهر نامه ای بود بدست ساواک افتاده و افراد دستگیر شده بتصور اینکه بالآخره اینها در این کارها واردند و ... تشخیص آنها هم مشکل نیست؛ بسیج هست لیکن اینه بودند در حالیکه بعد ا معلوم شد که اطلاعات بازجوها از جوهر نامه ای در حد استفاده از آن پیاز است بطوریکه بعد از شرح دادن افراد باز هم متوجه نشدند. حتی

* متخصصین مواد منجره آنها نیز سوادشان در حد شیعی دبیرستان هم نیست . بهمین ترتیب در مورد رمز . البته ممکن است افراد واردی هم در جاهای دیگر باشند ولی نباید روی حدسیات کارگرد و عناصر ساواک را از همه نظر وارد و مطلع دانست (آنهاحتی جوهرباک کنرا هم که رویش با انگلیسی نوشته شده بود نهی فهمیدند ،)

اصولاً بعضی از بازجوها خیلی خنگ و بیتجربه هستند و بسیارگی میتوان سرشان شیره مالیودستشان اند اخت ولی معدودی هم هستند زرنگ ، زیان باز و کلک و بلوفرن و با تجربه و رارای قدرت جمع بندی ... هستند باید کوشید آنها را از هم تشخیص دار و بین تجربه ها را دست اند اخته و سر در گمšان کرد .

۴ - بد بین کردن رفقا نسبت بهم با نشان دادن پرونده بازجوئی و با خوشرفتاری و احترام فوق العاده در پیش فرد دیگر (در حالیکه یک ساعت قبل فحش میداده اند) و گفتن اینکه "آره فلانی با ما راه آمد" .

و یا اینکه "فلانی پول شما را مخفیانه خرج عیاشی
خود میگردد " و ما در این مورد مدارک کافی
داریم ". حتی دیده شده که شلاق را بدست فرد
میدهد که رفیقش را بزند . انوش مفتاحی را درسلو
مجید احمدزاده انداختند . واو شروع کرد بگفتن
اینکه "عباس مفتاحی با ساواک راه آمد و پرونده اش
را دریدم و بمن ششم توصیه کرد که مطالب را بگو، خبی
خندان بود و زخمی هم در پایش مشاهده نمی شد
و بعد امامورین هم گفتند که بنابراین همه چیز را گفته
و بما قول همکاری دارد " و یا اضافه یک سری نمونه
های دیگر که در روحیه مجید خیلی موثر واقع شده
بود و به عباس مظنون شده بود و جالب اینست که
ذین انوش متوجه نمیویله که چه نقشی را اینها میگند تا
بعد از چند روز مجید نمیگیرد که آوردن انوش بسیار
طبق نقشه بوده است
نمونه دیگر اینکه بدست رفیقی شلاق را دارد بود
که کتیرائی را بزند ، البته او تحت تاثیر چند جمله
از کتیرائی قرار گرفته و بجای زدن اورا بوسید

و با شلاق به شکنجه گر حمله کرد یا اینکه
برای بد بین کردن سایرین بدروغ میگفتند که سعید
حسن ۱۰۵ نفر را با مشخصات کامل آنها لوداده
است .

۵- استفاده از اثر روانی شکنجه :

معمولا در مراحل اولیه شکنجه میگویند : "شکنجه
هفت مرحله دارد و شلاق تازه مرحله صفر آنست"
(در حالیکه شلاق از همترین شکنجه هایشان است)
یا اینکه میگویند " اینکه چیزی نیست حالا کجا
پیش را دیدی ؟) مستبند قپانی ، آن قطره آبی که
از سقف می چک ، حواله دادن با باطوم ، ناخن
کشیدن تازه این اطاق شماره ۱ است "
یا اینکه " آقای دکتر اجازه بد هید بیریم اطاق عمل
و " که بیشتر بخاطر تضعیف روحیه است و
اغلب ابهت و عظمت ساواک و ترس از شکنجه هائی
که در انتظار فرد است بیشتر از خود شکنجه موثر
واقع میشوند . در حالیکه مهترین شکنجه همان شلا
است و تا حد نهایی هم از آن استفاده میگنند و

بقیه شکنجه ها از نظر تاثیر روانی مورد استفاده شناست . مثلا لخت کردن و دستور به سرباز که کارش را بساز و یا حواله دارن باطوم و صحنه سازی هایش است که موثر واقعی شود که همه و همه در مقابل شلاق ارزش صفر دارد و بیشتر اثرات روانی آن در تضعیف روحیه مورد توجه آنهاست نه شکنجه جسمی .

۶ - نگهدارشتن فرد در حالت اضطراب برای بازجو و شکنجه ، بطوریکه فرد در سالول انفرادی همیشه نگران است . گاهی او را میپرسند که بازجوشی کنند ولی بدون اینکه کسی را ببیند بر میگرداند و یا میگویند "روزی سه بار ترا خواهیم زد " و یا "فرد اهم میاوریم در حالیکه روزها و شاید هفته هانبرند ، این اضطراب در تضعیف روحیه خوبی موثر است . باید خونسردی خود را حفظ کرد و اجازه ندارد شمن در شیوه هایش برای شکستن روح مقاومت در ما موفق شود .

۷ - بلوف زدن

یک اصل مهم در بازجویی بلوف زدن است .

که مکرر مورد استفاده قرار میگیرد . با اینکه فرد میداند که اینها بلوف میزنند ولی از بلوف های زیادی بالاخره یکی دو تا موثر واقع میشود خیلی باید دقیق و سمعج بود تا اطمینان صد درصد برای روشن شدن یک مسئله نباید آنرا تصدیق کرد در موارد کاملاً صحیح هم باید بنا را بر این گذاشت که بلوف باشد (معمولاً از پشت سی سیم بد ورغ از دستگیری یکی از رفقاً صحبت میکند تا روحیه را تضعیف نمایند) .

۸ - اغلب سوالات را در زمانهای مختلف و بصورتها می مختلف تکرار میکند و از تناقضات استفاده می نمایند . هرگز نباید جزئی ترین اطلاعات را در مورد یک مساله داد به این دلیل که اهمیتی ندارد . چون اطلاعات بقیه را از بلوف زدن بدیگران و تناقض در گفتار خود فرد در میاورند . بهمین ترتیب در مورد جواب یک سوال نباید گفت که فلانی میداند .

اصولاً نباید خود را ملزم به جواب دارن (بهر نحوی که شده) بدانیم .

با زیرسها سعی میکنند با سوالات مختلف و

پیشکشیدن صحبت‌های بظاهر بسی اهمیت بالا خرده
یک "بله" و از آنجا سوالات بی انتهای خود را مطرح
نمایند . حتی الامکان باقیستی سعی کرد که در چنین
دایی نیافتاد چه هر "بله" مانند یک حلقة زنجیر
است که چند حلقة دیگر را بدنبال دارد .

باقیستی از طولانی شدن جلسات بازجوئی بعنوان
مختلف جلوگیری کرد ، احتیاج بتواتر ، خمیازه کشید
که تاثیر مقابله دارد و عصباًی کوئن بازجو ، البتة
استفاده از این طرق بستگی به موقعیت موجود و استکا
فرم دارد .

باید کوشید در برخورد با بازجوها از آنها
نقاط ضعف بدست آورد و با برخ کشیدن و کوبیدن
آنها موضع سلط و تهاجمی پیدا کرد + نباید فراموش
کرد که اغلب عناصر ساواک ، بخصوص در شهرستانها
افراد ساده و بی شعوری هستند و مسائل و مطالبات
مهم را با مطالب سطحی اشتباه میکنند و تنها عناصر
معدودی از آنها دارای ورزیدگی و تجربه میباشند
که در کارشان حرفه‌ای هستند (نمونهبارز آن باقری)

۰۹- نیا یا باقری زاده است) .

عناصر ساواک عموماً نسبت بگار خود ایمان ندا
شته و تنها در سطح انجام وظیفه ظاهري بخود زحمت
مید هند ، لذا یک عنصر مبارز و با ایمان میتواند
بخوبی از این نقطه ضعف آنها استفاده نماید و حتی
اگر کمی زرنگ و مبتکر و هوشیار و آماده باشد آنها
را ببازی بگیرد .

۹ - توجه باصل و فرع ، روش ساواکیها است . یعنی
توجه دارند که اطلاعات مورد نیازشان چیست؟ و
نیرو و فعالیت‌شان را در این جهت میگذارند و اگر
فرد در زمینه‌های دیگر دروغ بگوید موقعتاً کاری ندارند
و بعد از صورتیکه آن اطلاعات نیز برایشان مهم
بود دوباره از فرد میخواهند . آنچه که از فرد می
خواهند در وهله اول ، منزل ، قرار ، مشخصات افراد
، یک سازمان مشورتی دارند که هر چند وقت یکبار
اطلاعات را جمع‌زده و تصمیمات جدیدی اتخاذ میکنند .

۱۰ - در مرحله اول از بین چند نفر (سوراخ) را
گیر آورده و بیشتر نیروی خود را صرف او میکنند و از

اطلاعات بدست آمده برای اعتراف سایرین استفاده مینمایند. هیچ مطلبی را نباید بدیگران حواله داد در صورت لزوم میتوان به افراد شهید نسبت داد.

۱۱- در مراحل اولیه سعی میکنند بروش‌های مختلف روحیه فرد را ضعیف کرده و بطور مسالمت آمیز اورابه حرف وار نمایند تا اینکه فرد موضعگیری مخالف نکند. در این مرحله شکنجه و خشونت یک عامل تاکتیکی است ولی اگر این راه به شعر نرسید و فرد ساره نبود و خشونت و قاطعیت باشد از شکنجه به عنوان عامل اصلی استفاده میکنند. بهمین ترتیب اولین هدف بازجو اینستکه فرد را از حالت انکار و موضعگیری مخالف به حالت اعتراف در آورند و لواینکه فرد در این حالت دروغ بگوید، چه بسا بطور عمد از این دروغها فعلاً صرفنظر نمایند، و باین ترتیب فرد را بمناکره و سیاست بازی میکشانند. فرد در این مراحل فکر میکند که سر ساواک کلاه بگذارد در حالی که نمیداند هدف ساواک برقراری چنین رابطه‌های دست است آوردن حداقل اطلاعات است و کم کم نوبت سایر

اطلاعات هم خواهد رسید. باید از سیاست بازی و اینکه مقداری را لو بد هیم تا بقیه را حفظ کنیم پرهیز کرد زیرا موفق شدن در چنین سیری خیلی مشکل است و میتوان مقایسه کرد: راه حل انقلابی را با راه حل دیلماتیک.

باید فراموش کرد که در هر زمینه‌ای جزئی اطلاعات دادن بدشمن، نتیجه‌اش این میشود که ساواک بقیه آنرا از دیگران و یا خود فرد بالا خبره بیرون بشد. در واقع ما بهیچوجه ملزم به جواب دادن به سؤالات دشمن نیستیم.

۱۲- تهدید و تحبیب:

عده‌ای با فحش و کتك و خشونت با فرد رفتار میکنند و عده‌ای هم هستند که با زیان پدر و برادری و نصیحت و محبت و احترام رفتار میکنند!! و گاهی با اظهار نارضایتی از وضع زندگی شخصی و تعداد فرزندان و گرفتاری‌ها و میزان حقوق خود را ناراضی از دستگاه نشان میدهند که فرد دستگیر شده را بفریبند موقعیکه فرد را شکنجه میدهند شفاعت کرده و باصطلاح

نجاتش مید هند بخودی خود پس از مدتی
فر تمايل دارد (در صورتیکه خام و بیت جربه بیو، و
در برخورد با شکنجه خود را باخته باشد) که این
افراد از او بازجوئی کنند و پس از حرف کشیدن در مرور
یک مطلب مهم وانمود میکنند که این مطلب ارزش زیاد
برایشان نداشته است. این فرمول همیشگیشان است
اول میگویند که اگر این مطلب را بگوئی دیگر چیزی از
تو نمیخواهیم ولی بعد دوباره اراده مید هند. و اگر
کسی رارای ایمان واقعی و هوشیاری انقلابی باشد
موفق است.

شکنجه

شکنجه آخرین وسیله حرف در آوردن از مبارزین
است. در مرور شکنجه نکات زیر قابل توجه میباشند:
روش شکنجه ساواک نسبت به شهربانی علی تبر
است. ساواک مرحله بمراحله پیش میرود و شکنجه رادر
حد نهائی و بمقدار حل اقل که آثارش باقی نماند،
بکار میبرد.

ولی شهربانی در برخورد های اولیه خشونت
در شکنجه را به حد اکثر میرساند بطوریکه فرد در مقا
بل موضعگیری قاطع میکند و افراد قوی موفق میشوند
که لب نگشایند.

واما ساواک مرحله بمراحله شکنجه کرده و به
انحاء مختلف میکوشد بتدریج روحیه را تضعیف نماید.
بعلاوه شکنجه ساواک بیحد و حساب وی برنامه نیست.
محدودیتها که دارند اینست که اولاً حتی المقدور
اثر شکنجه از بین برود باین لحاظ شلاق بهترین
وسیله است که معمولاً بکف پا میزنند. و گاهی با
شلاق نازکتر، از ران یا پشت میزنند که البته اثراش

بیشتر میماند و ثانیاً حق ندارند کاری کنند که نقس
عضو پیش آید و مثلاً در زدن چک ولگد رعایت مسی
کنند. بدون اجازه بازجو نباید بزنند، خیلی کم
انتقامی میزند مگر در موقعی که فرد به آنها ضربه
زده و یا توهین کرده باشد. از شکنجه های دیگر
بیشتر برای اثر روانی و تکمیل کارشان استفاده میکنند
از جمله دستبند قبانی، جواله دادن پیسی یا باطوم،
کشیدن ناخن، سوزاندن با اجاق یا آتش سیگار،
لخت کردن و تجاوز سریاز (در مورد دختران لخت
کردن قسمی از بدن و حلقه زدن دور او) و بالآخر
شوك الکتریکی. کابوسهای شکنجه ^و ماید از ذهن
دور ساخت تا اسم ساواک و تصویر شکنجه باعث
تضعیف روحیه نشود. وسایل شکنجه اینها یک تخت
و یک شلاق در یک اطاق بیش نیستند. اما به همین
شلاق نباید کم بهار داد. در این مورد باید دید
مان عینی ناشد. اینها به شلاق ایمان دارند.
بعضی ها در زیر شلاق فکر را بجای دیگر
تمركز کرده و فریاد نمیزنند که جنبه مقاومت برای

ساواکی ها دارد و بعضی ها حالت موش مردگی و
بیحالی بخود میگیرند که در این حالت ابتدا اثر
شلاق بیشتر محسوس میشود. در این مدت بهترین
راه دروغ گفتن، منحرف کردن، معطل کردن، زبان
بازی و زنگی است.

شکنجه به عناصر ساواکی میفهماند که زندانی
راست یا دروغ، کدام را گفته است. این درسته
همان رشته پوسیده ایست که ساواک به آن چسبیده
است زیرا بنا به معیارهای پلیسی اگر زندانی پساز
حد معینی شکنجه، بر روی سخن نخستین خود پا
فشاری کرد و سخن دیگری نگفت پس آن گفتار راست
است. بنابر این چریک نیز برای گذشت زدن دشمن
بایستی درست از همین پند، اول از بهره جوید. چگونه؟
بدین ترتیب که بر روی هر سخنی که نخست گفته است
مدتی شکنجه را تحمل نماید و همچنان همان سخن
را بازگوکند. همین تحمل پلیس را ناچار قانع می
کند که همان که ابتدا گفته است راست است. پس
برای دشمن راست یا دروغ گفتن فرق نمیکند واپرای

• اینکه مطمئن شود راست است یاد روغ ، مجبور است افزار درستی یا ب خود یعنی شکنجه را بکار اندازد . ایستادگی بر روی دروغ ، همان دروغ را به ساواک راست قالب میکند . راستگوئی نیز افزار شکنجه را از دستور بیرون نمیکند . پس اگر آنچه راهم که راست گفته بودیم در زیر شکنجه تغییر دهیم ساواک می پنداشد که دارد به حقیقت نزد یک میشود . حال آنکه در واقع از حقیقت دور شده است . بدینسان ساواک شکنجه را آنقدر ارادمه میدهد که زندانی سر انجام بر روی یک سخن خود آنچنان پایداری کند که افزار شکنجه را واپس زند ، همینکه افزار شکنجه پاسخ دارد دشمن قانع میشود که حقیقت را یافته است . زیرا دشمن ناچار است که به افزار خود ایمان داشته باشد چه اگر کسی به افزار خود ایمان نداشته باشد آنرا بکار نخواهد برد . از همین رو بهترین راه برای هر چه کم کردن حجم شکنجه همانا پایداری بر روی همان سخن نخستین خود میباشد .

پس از دستگیری همواره باید بفکر خود کشی بود

• زیرا اگر حتی در این کوشش کاملاً موفق هم نشویم منجر به زخمی شدن ما خواهد شد که مدتی از شکنجه و بازجوئی بد ور خواهیم بود . (موسی خیابانی در شب اول دستگیریش سر خود را به دیوار میزد و زخمی کرد ، مجید احمد زاده پس از دستگیر شدن در ماشینی که او را به زندان میرد با وجود زخمی بودن و اینکه دستهایش را دستبند زده بودند حلقة نارنجکش را کشید و انفجار نارنجک باعث کشته شدن یک ساواکی و فردی که او را لوداره بود و زخمی شدن خودش گردید .)

تجربه نشان داده است که برخی از فرزندان خلق نمونه بارز پایداری سرسختانه بوده اند . آنها در زیر شکنجه قهرمانانه مقاومت کرده و تن به دادن کوچکترین اطلاعاتی به دشمن مزدور نداده اند . از نمونه های این مورد مسعود احمد زاده است . او بیش از سه ماه در زندان شهریانی با وجود داشتن سویچ ماشین و کلید منزل تیمی ، تقریباً هیچ اطلاعی به شهریانی نداد . پشت ، باسن و سینه او را

سوزانده و شلاق زد . شوک عم مرتبا وارد کرد و بسو
رنده بطوریکه اعصابش خیلی ناراحت و خسته شده بود
با وجود این باز به مقاومت ادامه میداد . در ساواک
 فقط پس از آنکه عباسو اسدالله و مجید باوگفتند که
چه مطالبی رو شده است ، او فقط مطالب گفته شده
را تائید کرد .

نمونه دیگر عباس مفتاحی است . اورا سر قراری
میگیرند ولی از هویتش اطلاع نداشتند ، مشخصاتش
را میپرسند او جوابی نمیدهد و بلا فاصله شروع به
تفاوت اختن بر روی مامورین و فحشدادن به آنها
میکند . (موضعگیری قاطع و خشن) ، ۲۴ ساعت
مرتبا شلاقش میزنند ولی چیزی نمیگوید ^(۱) شعبانی
معروف به حسینی (رئیس زندان) از شلاق زدن
 Abbas خسته شده بود و التماس میکرد : " عباس به من

(۱) - وقتی غریبی در اثر شکنجه بیهوش میشود به
صورتش آب میزنند و صبر میکنند تا بیهوش باید و یا
به روشهای دیگر نظیر باطوم وغیره اذیت میکند و
دوباره شلاق میزنند .

پیرمرد رحم کن !! .

او ساعت ۲ بعد از نیمه شب خانه‌ای را به
دروغ لو میدهد ، وقتی به آنجا میروند متوجه میشوند
خانه ایست که قبلاً لورفته است و دوباره اورا تا صبح
میزند . بعد از ۲۴ ساعت تا ۱۳ روز بتدریج شروع
به نوشتن مطالب بدرد نخور مینماید . در این مدت
هم مرتبا اورا شلاق میزنندتا اینکه فشار خونش خیلی
کم میشود و دکتر اخطار میکند که اگر میخواهید زنده
بماند نباید اورا بزنید .

(توضیح اینکه ساواک به کسانی که شکنجه میشوند
از نظرپانسمان و دارو و غذا و میوه خوب میرسد تا
تقویت شوند و بتوانند اورا دوباره بزنند . باین
دلیل هر چه فرد ضعیفتر باشد و در این مدت کمتر
غذا خورد و کمتر بخودش برسد بهتر است ، چون
در زیر شلاق زودتر بیهوش میشود)

بالاخره عباس بعد از ۱۳ روز در مورد چیز
هایی که لورفته بود شروع به نوشتن میکند . البته
 واضح است که مطالب جدیدی دستگیر ساواک نمیشود

و باز هم او را با چک ولگد میزند . عباس میگفت روزهای اول فکرش را متوجه مسائل دیگر میکرد و در روز شلاق را احساس نمیکرده است .

تقریبا تمام عناصر گروه آرمان خلق قهرمانانه ریز شکنجه مقاومت کردند . از جمله کتیرائی ، ترگل ،

ناصر کریمی .

ناصر کریمی در جریان بانک آرامگاه دستگیر میشود ، ۲۸ روز مقاومت کرده و خود را ناصر رضائی بچه خیابان جمشید و فردی غیر سیاسی معرفی می کند که بخاطر عشق بیک زن و رسیدن به وصالش مجبو به سرقت از بانک بوده است . با او میگفتند تولهجه لری داری و بچه لرستانی ، تو ناصر کریمی هستی آنوقت ادعای میکنی که ناصر کریمی را نمیشناسی ؟ او او دوباره انکار میکرد . او را به خیابان جمشید میرند تا محل اقامتش را نشان دهد . گویا آنجا یک زن شروع به فحش دادن به او میکند و اینکه چقدر مرا اذیت کرده است . خلاصه ساواک دروغ او را باور میکند و او را به زندان قصر میفرستند تا اینکه سایرین هم دستگیر

• میشوند و جریانات رو میشود .

نمونه دیگر مسعود بطحائی است که از او سپاه هایش را میخواستند میگفت : " سهپات دارم ولی نعی کویم ... " و در زیر شکنجه مقاومت زیادی از خود نشان دارد .

موسی محمد نژاد ، دانشجوی سال چهار فیزیک در تیر ماه ۵۰ (دستگیر) میشود . در حدود ۵۰ اعلامیه و دو ماشین پلی کیو، و ... که او از دانشکده فنی تبریز دزدیده بود همراه با تعدادی نامه های سیاسی جزء مدارکش بود . با وجود این تکیه میکند که فرد سیاسی نیست و ماشین را بعلت وضع بد مالیش و برای فروش دزدیده است ۸ روز مرتب شکنجه شده بود و بعد ا هم دو سه بار او را تهدید کردند که سرمان که خلوت شد روزی ۳ بار ترا میزنیم تا اقرار کنی ولی علیرغم تهدید ها کاری با او نکردند . تا اینکه اوایل سال ۵۱ یکی از سهپات هایش ، بمی در راه آهن منفجر کرد و دستگیر شد و باین ترتیب پرونده او نیز سنگین گردید . باز

هم شکنجه اش کردند ولی تا مدت‌ها وضعیش کاملاً معلوم نشد. بود. اصغر بدیع زارگان را شهریانی دست گیر می‌کند. آنها میدانستند که او با محمد حنیف نژاد رابطه دارد و ماشین طرح ربودن شهرام پاسم است، از اونشانی محمد و جریان طرح و افرادش را میخواستند، برای یافتن محمد او مأمورین را سر چند قوار دروغین میبرد. حتی آنها را تا ساوه هم میکشاند. در مورد طرح ربودن شهرام نیز اظهار بی اطلاعی می‌کند که من ماشین را بتقادی محمد برای عروسی یکی از فامیل هایش کرایه کرده بودم. آنها باسند و پشت اورا بشدت سوزانده و به پایش شلاق زده بودند و مرتب شوک الکتریکی میدارند و نور افکنی با نور زیار به چشم‌ش می‌افکندند. باسند و پاها یشیدت چرک کرده و عفونت داشت که پانسمان نکرده بودند تا تحول ساواک را داشد. او در آنجا هم سر سختانه مقاومت کرد و این مقاومت را تا زمان شهادتش ادامه دارد.

در اینجا باید تجارت دیگری را نیز بررسی

کنیم. باید توجه داشت که صفات و خصائص انقلابی از قبیل روحیه واستحکام و ... نسبی هستند و در هر فرد بشکلی تجلی می‌یابند. ما بموارد متعددی نیز برخورد کرده‌ایم که شکنجه‌های ساواک در آنها موثر افتاده و بعد از مدتی مقاومت بالاخره اطلاعاً تی در اختیار ساواک قرار داره‌اند. بررسی این مسئله و حالات گوناگون آن خیلی ساده نیست و به سادگی نمیتوان در این موارد قضایت کرد. در اینجا ما با مسئله مقاومت مشروط مواجه‌ایم یعنی حداقل انتظاری که از یک انقلابی میتوان داشت. این حداقل انتظار را یک انقلابی حتماً باید برآورده کند و الا یک خائن بخلق محسوب می‌شود و از شخصیت انقلابی بی بهره است و در صورت آزادی از زندان باید مجازات شود.

یک سازمان انقلابی باید با توجه به واقعیات قراردادهای را برای مقاومت در برابر دشمن مطرح سازد، این قراردادها که بر اساس واقعیات عینی تنظیم می‌شوند لازم‌الاجرا هستند. این قراردادها

مشخص میکند که چه چیزهای مطلقاً نباید توسط فرد گفته شود، و یا اینکه یک فرد تا چه مدت مطلقاً نباید حرف بزند، کسیکه این قراردادها را نماید و بگیرد خائن است و مستوجب مجازات مرگ از جانب سازمان میباشد. بسیاری از کسانی که اطلاعاتی در اختیار پلیس گذاشته‌اند بر اساس این قراردادها عمل نموده‌اند و اگر ضربه‌ای متوجه گروه شده است بد لیل توجه ننمودن رفقای بیرون از زندان به قراردادها بوده است. مثلاً حمید توکلی بر طبق قرارداد موظف بود تا ۲۴ ساعت پس از دستگیری خانه تیمی خود را افشاء ننماید و او تا ۴۸ ساعت مقاومت میکند و وقتی ریگر مطمئن بوده که خانه تخلیه شده است محل خانه را افشاء ننماید ولی پرویز پویان بر اساس این تصور که حمید علیرغم قرارداد مطلقاً حرف نخواهد زد در خانه تیمی ماند و همین موجب بروز حادثه نیروی هوایی شد.

محاسبه مطلق روى مقاومت يك رفيق برای عناصر يك واحد چريکي بر خلاف اصول میباشد، ما حتی اگر

مطمئن به استقامت تا حد مرگ يك فرد باشيم باید بازهم بر اساس قراردادها عمل نمائیم.

يکی از نواقص کار معمولاً نبودن هیچ قراردادی است که منجر باين میشود که برآساس محاسبه مطلق روی مقاومت چریک دستگیر شده عمل نمائیم که کاری برخلاف اصول امنیتی چریکی میباشد.

تجربه نشان میدهد که برخورد افراد متعدد با شکنجه متفاوت بوده است. بعضی مطلقاً سخن نگفته‌اند، بعضی پس از مدتها بطور مشروط اطلاعاتی داره‌اند و بسیاری فقط به قراردادها عمل کرده‌اند، مددودی هم بوده‌اند که خائنانه موضع انقلابی خود را ترک کرده و بدون توجه به مسئولیت و تعهد انقلابی خویش و پیمانی که با رفقای خود بسته‌اند اطلاعات کاملی در اختیار دشمن گذاشته و ضربات شدیدی به رفقای خود زده‌اند. با این ترتیب ما افراد را در مقابله با شکنجه به چهار دسته تقسیم کردیم: ۱- آنها که مطلقاً سخن نگفته‌اند. ۲- آنها که پس از هفتاد ها بطور مشروط سخن گفته‌اند. ۳- آنها که فقط

بـه قراردارها عمل کرده‌اند . ۴— آنها که بـه قراردارها هم عمل نکرده و خیانت کرده‌اند .
۵— آنها که مطلقاً سخن نگفته‌اند و مقاومت قهرما نانه کرده‌اند .

در این مورد نمونه‌های زیادی وجود دارد که قبل از ذکر شده ، این رفقا از نیروی ایمان و اراده‌بد و تزلزلی برخورد ار بوده‌اند . این رفقا آنچنان به دشمن کینه را شتند که حتی هم صحبت شدن با دشمن را برای خود ننگ میدانستند . آنها در حالی که بدنشان از رنج بیکران زخمها و سوختگی‌های شکجه می‌سوزند ، همراه با آخرین ذرات انرژی جسم خود مقاومت ورزیدند . آنها در حالی که رنگشان زرد بود ، در حالی که بجز پوستی بسر استخوانهایشان باقی نمانده بود ، آنها در حالیکه چشمشان بخوبی جائی را نمیدید و اعصابشان بشدت مرتיעش بود از آخرین قوای حیاتی خود سود جستند و فاتحانه دشمن را در عرصه آخرین پیکار یک انقلابی با دشمن شکست دادند و دشمن را بخواری وزبونی

۱- اش معترض ساختند ، ما نه آنها را ستایش می‌کنیم و نه به آنها درود می‌فرستیم ، ما هیچ نمی‌گوئیم ، فقط آرزو می‌کنیم که مانند آنها باشیم . این آرزو را هر کس برای خودش و در درون خودش مطرح می‌سازد و می‌خواهد که بـآن قله بلند برسد ، به آن قله‌ای که هیچ دشمنی را بـدان راهی نیست .

۲- آنها که پس از مدتها بطور مشروط مقاومتکرده‌اند در اینجا بـاید مسئله را مطرح ساخت و آن اینست که بعضی از افراد در جریان تداوم شکجه که بتدریج قوای جسمی خود را از دست میدهند از نظر روانی نیز دچار کاستی می‌گردند و رفته رفته روحیه شان را از دست میدهند . سرعت از دست دادن امید و روحیه بستگی به شخصیت انقلابی فرد دارد . آنها که هفته‌ها مقاومت می‌ورزند رزمندگان خوبی هستند اگرچه در غایت امر مطالبی را گفته‌اند ولی خوب مقاومت کرده‌اند ، ما آنها را بـخاطر پـاید اـری طـویل مدـتشـان تحسین می‌کنیم چون مـیدـانـیـم کـارـمشـکـلـیـ کـرـدـهـانـد . بهـرـ حال بازهم تنـهاـ یـکـ شـخـصـیـتـ انـقلـابـیـ مـیـتوـانـدـ چـنـدـ

هفته شکنجه را تحمل نماید. کسانیکه اینگونه رفتار گردند میخواسته‌اند هر چه بیشتر به رفقای خود فرصت عکس‌العمل‌های طبیعی را بدند، آنها بخوبی خواستند بهیچوجه سخن گفتنشان موجب دستگیری رفایشان شود، آنها متعهد‌انه به پیمان خود وفادار بوده‌اند. فقط آنگاه که بنظر خود مطمئن شدند که تمام رد پاها پاک شده است بسخن درآمدند. گاهی این تصور آنها در مواردی درست نبوده است یعنی قضاوت آنها در مورد پاک شدن رد پاها صحیح نبوده است و همین عدم قضاوت صحیح باعث وارشدن ضرباتی به سایرین شده است.

حسن پور در حدود یک ماه تحت فشار وشکنجه بود و در اواخر او را با برانکار حمل میکردند و هر بار موقع رد شدن از جلو سلولها شعار مقاومت میدادند ولی یک روز میگوید که ما شکست خوردم و بالاخره طوری روحیه او ضعیف میشود که اسامی و اطلاعاتی در اختیار دشمن میگذارد.

علیرضا نابدل که توسط شهربانی دستگیر می

شود ابتدا خوب مقاومت میکند و یکبار نیز دست بخود کشی میزند ولی موفق نمیشود. اما پس از شکنجه‌های زیاد و تهدید اینکه اگر حرف نزنند خانوارهای شوافت فشار قرار خواهند داد.... بالاخره روحیه اش ضعیف میشود و اطلاعاتی را لو میدهد.

کاظم سلاحی شهید، ۱۵ روز برای جواب ندادن باین سؤال که پول بانک ونک را به چه کسی داده است زیر شلاق مقاومت کرد ولی بالاخره روحیه اش ضعیف شده و اسامی چند تن از رفقا را میگوید.

در اینجا یک صفحه (صفحه ۳۸)
از متن اصلی (چاپ چریکهای
قدائی) جا افتد و آنرا پس
از دریافت آنرا در اختیار قرار
خواهیم داد.

داشت. هر قدر مبارزه بیشتر اوج بگیرد این دردها جانسوز طبقاتی و این نفرتها ملموس‌تر و عصیق‌تر می‌شوند، زخم‌های عینی بر بدنهای مبارزین وارد می‌شود و آنها روزبروز آبدیده تر می‌گردند و طبعاً مقاوم‌تر می‌شوند و آنوقت است که مبارزین خلق خماسه‌های چون ویتنام می‌آفرینند و پوزه دشمن فاشیست را به

خاک می‌مالند.

پس آنچه که در شکنجه از دست می‌رود توان جسمی نیست بلکه توانایی روحی و امید به آینده است. فرد تحت شکنجه بتدریج توان جسمانی اش را از دست میدهد، دشمن با شیوه‌های گوناگون اورا از نظر جسمی و روانی زیر فشار می‌گذارد، فرد خود را عاجز می‌بیند و از این رو اعتقاد شرا به شایستگی‌های خود از دست میدهد و تا جایی پیش می‌رود که اعتقاد ش به پیروزی جنبش نیز خدشه می‌پذیرد، از همینجاست که میل به مصالحه با دشمن در او پیدا می‌شود و حسایگریها آغاز می‌گردند. ولی باید بخاطر داشت آن موقع که فکر می‌کنیم دیگر توان ما تمام شده هنوز دارای توان و انرژی هستیم، باید به بقایای توان و انرژی خود تکیه نمائیم. آنوقت که فکر می‌کنیم همه چیز تمام شده درست همان موقعی است که هیچ چیز تمام نشده است و رفقا و سایر هم می‌هنان با دشمن در حال پیکارند، پیکاری که قهراء به پیروزی خواهد انجامید، هیچ وقت همه چیز

پایان نمی یابد . بلکه همیشه موقع آغاز کردن مبارزه است . آنگاه که چریک در زیر شکنجه است تازه مبارزه آغاز شده است ، مبارزه‌ای جدید و با شکلی دیگر . پس مبارزه را باید آغازکرد و دشمن را هر چه بیشتر آزار داد . در قدر که کمتر حرف بزنی دشمن را بیش تر آزار داره‌ای . پس اورا آزار بدیه ، دشمنی که تو را و خلق ترا آزار مید هد بیازار منتها با شیوه‌خودت " مقاومت " . حتی اگر در زیر شکنجه کشته شوی باز هم دشمن شکست خورده است و پیروزی از آن توسط چرا که دشمن به هدف خود که بدست آوردن اطلاعات است نرسیده است .

۳ — آنها که فقط به قراردادها وفادار مانده‌اند .

ما آنها را سرزنش‌میکنیم و معتقدیم که بوظیفه خود و ویه پیمان خود عمل کرده‌اند ولی بهرحال پیکار با دشمن را در زیر شکنجه ادامه نداده‌اند .

۴ — آنها که بدون توجه به قراردادها به رفقای خود خیانت کرده‌اند ، اینها از شخصیت انقلابی بهره‌ای نداشته و عناصری متزلزل و ضد خلقی هستند . کسانی

مانند نواب بوشهری که ۶۰۰ صفحه اطلاعات به دشمن داره‌اند و منشاء دستگیری‌ها و ضربات بیشماری شده‌اند مستوجب مرگ هستند و انقلابیون و خلق پاسخی جز مرگ به آنها نخواهند دار .

" یا مرگ یا میهن آزاد شده "

سیستم پلیسی سیاسی

ایران

و

روشهای

آن

سیستم پلیسی ایران و روش‌های آن
سیستم پلیسی سیاسی با سیستم پلیس معمولی
فرقه‌ای اساسی دارد . پلیس معمولی با دزدان ،
جانیان ، قاچاقچیان سروکار دارد و تجاری که
در طی عمر خود آموخته ناشی از برخورد با اینگونه
افراد می‌باشد . روش‌هایی که آنها بکار می‌برند همان
رووش‌هایی است که در مقابله با تبهکاران حرفه‌ای بکار
می‌برند و این یکی از اشکالات اساسی کار آنان است
و بخاطر همین طرز تلقی از مسائل در مقابله با
چریکها علیرغم تمام اقداماتی که کردند موفقیتی
نداشته‌اند . ولی دستگاه پلیس سیاسی که بخاطر
مقابله با عناصر سیاسی و مبارزین انقلابی سازمان
یافته است با شیوه‌های دیگری کار می‌کند . شیوه‌های
پلیس سیاسی گونه‌ایست که می‌تواند در محافل سیاسی
نفوذ کند و با شناخت عناصر فعال بدستگیری آنها
بپرسد . البته این عمل از طرف پلیس سیاسی
موقعی می‌تواند موفقیت آمیز باشد که کارهای فعال
سیاسی دارای تجربه کافی نبوده و بعلت تازه کار

بودن گشتنی بر اعمال و ارتباطات خود نداشته باشند تجربه نشان داده است که با برخورد زیرگاه واقع بینانه و با استفاده از تجارب میتوان از کنترل پلیسی مصون ماند و از نفوذ عناصر پلیس به محفلهای گروهها جلوگیری نمود.

دستگاه پلیسی ایران (ساواک) در سال ۱۳۳۵ توسط امریکائیها سازمان یافته است و در مدت ۱۶ سال برخورد با گروه‌ها و دسته‌های مختلف سیاسی تجارب بسیاری آموخته است، عناصر ورزیزده ساواک از تمام این تجارب در برخورد ها با فعالین تازه کار استفاده میکنند و همین امر بعضی موجب میشود که فعالین نوپا در مقابل رقت نظر و حیله‌ای عناصر ساواک رچار وحشت شده و خود را حقیر و نادان بشمارند، حتی در مواردی عناصر ساواک توانسته‌اند افراد سست عنصری را شستشوی مفری بدند، منظور از شستشوی مفری اینست که تمام اعتقادات و تمایلات انقلابی را که بعلت شرایط موجود اجتماعی و مبارزات پیشاهنگان خلائق در

در جوانان ایجاد میگرد راز بین برنده و یک سری مفاهیم مجرد، قالبی و ارجاعی را بانان القاء کنند افرادی نظیر احمد صبوری الله خائنانه خود را بدستگاه فروخت از این قماشند، پرویز نیکخواه مبارز لندنسی یکی دیگر از این نمونه‌هاست.

البته باید دانست که عناصر ورزیده ساواک با تمام تجارت‌شان دلالهای سخیفی بیش نیستند و حیله‌هایشان بی شباهت به حقه‌های دلالی که جن‌س بنجلی را بفرد ساره لوحی قالب میکند نیست. در این جزو میکوشیم تا روش‌های گوناگون پلیس سیاسی را افشاء کنیم. اینک مبارزه در مرحله ای قرار دارد که برای برخوردهای گوناگون تجارب بسیار اند وخته است و نکات مهم بسیاری روش‌شده است. ما میکوشیم تجارت را جمع‌بندی نموده و بعنوان سلاحی برنده در اختیار کادرهای مبارز قرار دهیم.

قبل از آنکه به بحث درباره شیوه‌های دستگله ساواک بپردازیم لازم است درباره سازمان بندی

از بری این سازمان اطلاعاتی بدھیم . در منیپور سازمان بندی ادری این ادره جزو مستقلی تحت عنوان "پارهای از امور سازمان امنیت" انتشار چافته که مطالبه آن مفید است . سازمان امنیت از نظیر اداری بی شباخت با شهر بانی یا زاند ارمی نیست همانگونه که تشکیلات نامبرده دارای امکانات و تجهیز مستقلی برای خود میباشد ، سازمان امنیت هم از امکانات و تجهیزات مستقلی استفاده میکند این سازمان دارای یک اداره مرکزی میباشد در این سازمان اداره مرکزی هماهنگ سازی و کنترل شاخه های و بخشها صورت میگیرد و طرحهای استراتژیک ریخته میشود همانگونه که زاند ارمی در هر شهرستان مراکز و ادارهایست اینان هم در شهرستانها دارای مرکز و ادارهای هستند منتهی بر بالای درب مرکز یا اداره شان تابلوئی نمیزنند و افراد عادی ممکن است از محل این مراکز و نحوه فعالیتشان تا وقتی که گذارشان بانجا نیافتاره مطلع نشوند . ضمناً این سازمان دارای بیمارستان — اداره موتوری — بخش

فنی و غیره میباشد تا بتواند راسا نیازهای خود را بر طرف سازد .

زاند ارمی همیشه کنترل رهات را بعهده دارد و شهربانی شهرها را کنترل میکند ولی ساواک در هر دو میدان فعالیت دارد . البته نیروی عده آن در شهرها پیاره شده است . کارهای ساواک را بدو دسته عده میتوان تقسیم کرد :

۱ - کارهای رسمی ۲ - کارهای غیررسمی
۱ - کارهای رسمی : این کارها در ادارات و شعبات مختلف سازمان امنیت مشغول کار میباشند . معمولاً چون حرفهای هستند از طرف اهل محل و خانواده شان شناخته شده هستند . این کارها وظائف مختلف اداری و سازمانی را بعهده داشته و بطور تمام وقت در اختیار ساواک قرار دارند . زندگی این افراد از طرف ساواک کاملاً تامین میشود و اشلاده حقوق آنها معمولاً از کارمندان و مستخدمنین مشابه در رستگاههای دولت بالاتر است . کارهای رسمی از امکان گرفتن وامهای ۱۰۰ هزار تومانی به بالا برای

تهیه خانه برخوردارند و معمولاً در ماموریتها، فوق العاده خوبی میگیرند.

کارهای اجرایی و عملیاتی ساواک نیز جزء کارمندان رسمی ساواک بوده و از مزایای فوق برخوردارند، و در گذشته دیده شده که مسئول یک تیم عملیات به ازاء دستگیری هر فرد سیاسی ۳۰۰ تومان جایزه دریافت میداشته است که بعضاً دیده شده که بر سر تقسیم این مبلغ بین مسئول عملیات و افراد شرکت کننده در دستگیری اختلاف بروز کرده است. بهر حال بطريق مختلف از لحاظ مالی آنها راضی نگاه میدارند. این کارها نیز بدلیل آنکه هم از نظر زندگی ماری تامین هستند و هم از قدرتی که به آنها را داشده است لذت میبرند از دستگاه طرفداری نموده و باصطلاح فدائی شاه هستند. البته در عمل بارها و بارها دیده شده که هیچگونه تمایلی به فدا شدن نداشته و فقط بخاطر پسول و هدفهای مالی فدائی میباشند ولا غیر. به کارهای ساواکی معمولاً تعليمات سیاسی نیز داره میشود

که حاوی یک سری مطالبدگم و ارجاعی است. باین ترتیب رژیم مفسر کارکنانی را که تعلیم میدهد با این تعالیم غلط پر میکند.

مبارزین سیاسی را در نزد آنان افرادی وطن فروش که بدستور عناصر خارجی کار میکنند معرفی مینمایند.

کارهای جوانتر را علاوه بر شستشوی مفسزی تحت تعليمات نظامی نیز قرار میدهند و معمولاً چون این افراد بیشتر به پول و مشروب و عیاشی فکر میکنند، از نظر نظامی ارزشی چندانی نداشته و بیشتر ظاهر به قدرت و کارآمدی میکنند. دسته دیگری از کارکنان ساواک کارهای غیررسمی هستند، این کارهای دارای شغل و حرفة خاص خود بوده و در میان اصناف، بازاری ها، اداری ها، فرهنگیان، رانشجویان، کارگران، کار و زندگی میکنند و در ضمن ماهیانه مبلغی هم از ساواک دریافت میدارند. این کارهای تحت نظر و با راهنمایی و تعلیم کارهای رسمی که در شعبات مختلف ساواک بکار مشغولند

فعالیت مینمایند . ساواک میکوشد اینگونه کار رهایش حتی المقدور افشاء نشود تا بتواند هرچه بیشتر در فعالیتهای خبرچینی و جاسوسی از آنها استفاده کند .

ساواک افراد خود را از میان بهائی‌ها انتخاب می‌کند زیرا افراد این فرقه مذهبی ساختگی که در آغاز لیم توسط استعمارگران تقویت و سازمان یافت تحت تعا خاص قرار میگیرند که این گونه تعالیم زمینه مناسبی برای جاسوس شدن در آنها بوجود می‌آورد . مخصوصاً اینکه افراد این فرقه با کسانی که جزء این فرقه نیستند خصومت ورزیده و این خود کمک میکند تا جلادان و شکنجه گران را از میان افراد این فرقه انتخاب نمایند ، بخصوص کارهای از سازمان امنیت که با محافل روحانیت و مبارزین مسلمان طرف هستند همگی بهائی میباشند . پرویز ثابتی مقام امنیتی معروف نیز یکی از همین بهائیان است . افراد لومین و واخو رده، یک دسته دیگر از کسانی هستند که توسط سازمان امنیت جذب میشوند . اینگونه افراد که هیچ نوع وابستگی طبقاتی احساس نمیکنند بخاطر مبالغه ناچیز دست بهر کاری میزنند . معمولاً آدمکشان حرفه‌ای سازمان امنیت جزء این دسته هستند که البته اکنون به نان و نوا رسیده و انگشتی طلا بدست میکنند و

کفش ورنی میپوشند.

سیستم کنترل پلیسی:

دانشجوئی شدیداً صورت میگیرد و مرتبه دانشجویان
فعاله زیر نظر قرار میگیرند و چون معمولاً دانشجویین
در فعالیتها و مبارزات صنفی شرکت میکنند و اینگونه
فعالیتها احتیاج به تحرک و رفت و آمد و بحث و
جدل و کلا فعالیتی علی دارد از اینرو خیلی زود مورد
توجه قرار میگیرند. بهر حال هر نوع فعالیت صنفی یا
سیاسی که از طرف فعالین صورت میگیرد توسط این
جاسوسان گزارش میشود. این گزارشات به شعبه‌ای از
سازمان امنیت که مسئولیت آن محیط اجتماعی را به
اعده دارد میرسد. این سیستم مهمترین سیستم
کنترل سازمان امنیت میباشد. سیستم کنترل مطبوعات
که از طرف وزارت اطلاعات اعمال میشود جزئی از این
سیستم است. معمولاً نشریات صبح جیره، خواردستگاه
میباشد و اداره کنندگان آنها حقوق ماهیانه دریافت
مینمایند. سیستم کنترل استخدام در ایثارات دولتی
و شرکتهای بزرگ یکبار دیگر از این سیستم‌های کنترل
میباشد، بطوریکه هر فردی که بخواهد از اداره ای
استخدام شود باید سازمان امنیت این استخدام را

سازمان امنیت با استفاده از امکانات و کارها
ئی که در اختیار دارد برای جلوگیری از هرگونه
جنبیش‌آزادیخواهانه، یک سیستم کنترل پلیسی شدید
را اعمال میدارد. سازمان‌دهی این سیستم باین شکل
است که در هر اداره مهم دولتی، در هر کارخانه
مهم، در هر دانشگاه‌پروردگاری از سازمان امنیت
فعالیت میکنند. معمولاً سازمان امنیت کوشش میکند
در تمام نقاط نامبرده یک محفل ساواکی ایجاد نماید
البته این افراد از کارکنان غیررسمی ساواک بوده و
کوشش میکنند تا افشاء نشوند. وظیفه این افراد و
این محافل ساواکی کنترل افراد و عکس‌عمل‌های
سیاسی افراد، مشخص نمودن افراد ناراضی و متعرض
و جلب و بخدمت گرفتن افراد ساده لوح میباشد.
این افراد بطور کلی نقش جاسوس را ایفاء میکنند و
وظیفه مدارنده تمام اتفاقات محیط کار خود را گزارش
دهند. بخصوص این نوع فعالیت‌هادر محیط‌های

تائید نماید . سند یکاها و خانه‌های کارگری همگی تحت کنترل ساواک میباشند . سازمانهای ورزشی و فدراسیونها و باشگاه‌های ورزشی غالباً علاوه بر کنترل زیر نفوذ ساواک قراردارند .

نفوذ پلیسی — سازمان امنیت تعدادی از سیاست‌بازان سابق را هم اکنون در اختیار خود دارد ، از جمله بسیاری از افراد فرصت طلب و خرد بورژوای (حزب توده) بعضویت سازمان امنیت در آمد دارد و بحالت تجربیاتی که در آنند بیشترین خدمات را باین دستگاه پلیسی فاشیستی انجام می‌دهند . اصولاً سازمان امنیت بمنظور نفوذ در گروه‌ها و سازمانهای سیاسی احتیاج به افرادی دارد که با مسائل سیاستی آشنا بوده و بتوانند خود را در قالب نیمرودی اپوزیسیون جا بزنند . اینگونه افراد باید با مسائل تاریخی مبارزات آشناشی را شته و بتوانند در بحث‌های تئوریک سیاسی شرکت نموده و اظهار نظر نمایند . البته اگر سابقه فعالیت سیاسی را شته باشند بهتر است . اینگونه افراد به رو شکل بخدمت سازمان

امنیت در می‌آیند . اول بشکل تطمیع : عده‌ای از کارهای سابق حزب توده که در زمان نیرومندی حزب بخارتر گصالح هماری خود بعضیت حزب توده در آمد بود و از نظر طبقاتی خرد بورژوا محسوب میشدند پس از شکست حزب توده فرصت طلبانه خودشان را بله آغوش دشمن افکندند و خدمت اورا پذیرفتند . این افراد که بطعم پول و مزایای اجتماعی ننگ جاسوسی ساواک را پذیرفتند در ظاهر خود را مخالف دست گاه مصرفی کرده و گوشش میکنند با افراد گروه همای سیاسی روابط را سلطانه برقرار کرده و در مباحثات سیاسی آنان شرکت جویند و بدین ترتیب از چگونگی افکار و اعمال سیاسی آنان مطلع شده و حتی بازیگری خود را شیفته نشان را در اختیار دشمن قراردادند آیند و تمام اطلاعات را در اختیار دشمن قراردادند تشکیلات تهران حزب توده نمونه بارز یک چنین گروه نفوذ شده‌ای بود . بطوریکه حتی در عناصر رهبریش ساواک از طریق همین توده‌ای‌های سابق نفوذ کرده بود . معمولاً ساواک از اینگونه نفوذ‌ها استفاده

مجازات و حتی بدون سروصدای سر به نیست خواهند شد. برخی اوقات نیز بعضی از عناصر فرصت طلب بطبع پول و مزایا خود را به ساواک میفروشند و به جاسوسی میپردازند.

اصولاً ساواک در محاذل دانشجوئی و روشنگری فعالیت زیاری مینماید و میکوشد همه گونه فعالیت ما را در این محیط شناسائی کرده و بر علیه آنها اقدام کند. معمولاً باین افراد تعلیم میدهد که چگونه خود را با فراد فعال نزدیک کنند و حتی بآنها پیشنهاد همکاری سیاسی بدند و راههای سیاسی مطرح سازند، البته عناصری که بتوانند ماهرانه چنین نقشهای را ایفاء کنند زیاد نیستند ولی بهر حال آنها ایکه چنین عمل میکنند بسیار خطرناکند ولی باید رانت که یک جائز رقیق و آگامایا دقیقت روى زندگی فرد عزیز میتواند این مسئله را بخوبی تحقیق نماید و متوجه شود. معمولاً افراد توده‌ای که پا بد سن گذاشته‌اند خطرناکند زیرا تجربه و مهارت شناختی‌ها بیشتر است و خود را بلو نمیدهند. البته از جوانها بیشتر است و خود را بلو نمیدهند.

کرده و با آب وتاب پس از ضربه زدن به گروه قدرت خود را برخ خلق کشیده و میکوشد بسردم تلقیین کند که هر گروه و سازمانی که تشکیل شود قادر آن نفوذ کرده و بمیل خود آنرا هدایت میکنیم و در صورت لزوم گروه‌ها از هم ملاشی می‌سازیم. حتی در مواقعي که هیچ‌گونه نفوذی نتوانسته‌اند بگنند چتین ادعاهای میکنند تا تمام نقاط اسید را از خلق سلب کنند همچنین سازمان امنیت تعدادی از دانشجویان تازه‌پارا که فعالیت اندک و تجربه کمی ندارند احضار میکند و با تهدید و تقطیع آنها را وارد ارده همکاری مینماید. در این موارد قول همه گونه مساعدت مالی و تحصیلی به فرد ساره لوح را در می‌شود و سعی می‌شود تمام راه‌ها را بر روی اوسته و وارد ار به همکاری ننمایند. دو مواردی افزایش است عنصر خود را باخته و قول همکاری را دره اند. البته این از رادن قول همکاری ساواک آنها را بعنوان خضو نگریسته و به آنان اختیار میکند که اگر دست از پا خطأ کنند بعنوان خیانت به ساواک شدید را

باید پر انسنست که عناصر کارگری و صادق حزب توده
جزء دسته فوق نبوده و نیستند و این دسته‌خانه‌نین
بیشتر از لحاظ طبقاتی، موضع خوده بورژوازی را شته
و دارند.

سازماندهی کسب اطلاعات - بخش کنترل
اجتماعی ساواک از شعبات مختلف تشکیل می‌شود
این شعبات جزئی از اداره سوم سازمان امنیت ملی
باشند. این شعبات با نامهای: شعبه رانشجویی،
شعبه کارگران، شعبه روحانیون و غیره مشخص می‌شوند.
مسئولین این شعبات توسط عناصر جاسوسی
که در بالا توضیح داده شد از قضایا و مسائل مطلع
شده و برای افراد فعال پرونده تشکیل داده و به
تدربیج این پرونده‌ها را قطورتر می‌سازند. البته
تمام رانشجویان در بد و ورود به راستگاه باید
تعدادی عکس و رونوشت برای تشکیل پرونده بذهند
که این عکس‌ها و مدارک برای تشکیل پرونده برائی
ساواک قرار می‌گیرد. بنابر این کار در مورد رانش
جویان راحت‌تر است و همه نوع فعالیت‌علیقی که

بکنند توسط جاسوسان گزارش شده و در پرونده‌آنان
ضبط می‌گردد. بر مبنای این اطلاعات که در پرونده
هاثبت شده است مسئولین شعبات به بررسی مسوی
پردازند و در صورت لزوم افرادی را به ساواک احضار
می‌کنند و آنها را مورد بازجویی قرار میدهند. در سایر
موارد بمحض اینکه فعالیت خاصی از طرف کسی صورت
ابگیرد برایش پرونده تشکیل میدهند و این پرونده‌ها
بر طبق یک سیستم بایگانی مدرن بایگانی می‌گردند.
ساواک دارای بایگانی مرکزی که حاوی تمام پرونده‌ها
است نیز می‌باشد. این بایگانی کمک زیادی به برنامه
های بیو جوئی آنها می‌کند.

۳- تعقیب و رد گیری و پرورش اطلاعات

در اطلاعاتی که بشعبات ساواک میرسد و زیارتی ای
موارد فعالیتهای مشکوکی توسط افراد گزارش می‌شود
در این موقع است که ساواک برای کسب اطلاع بیشتر
از وضع زندگی فرد و روابط خارجیش و برنامه هفتگی
فرد را تحت نظر قرار میدهند. البته در موارد
مختلف شدت تعقیب و تحت نظر قرار دادن متغیر

است . مثلا در مورد کادرهای دانشجویی ممکن است این کار بعده کی از ساواکیهای دانشگاه گذارد شود ولی در پاره‌ای موارد که شک بیشتری ببرند و یا فعالیت زیادی در شخص ملاحظه کنند بمنظور بدست آوردن اطلاعات بیشتر از فعالیت او را شدیدا تحت نظر قرار میدند تا روابطش را کشف کنند و با افرادیه جدیدی بررسند .

در موارد تعقیب شدید فرد را در تماスマ ساعت روز و شب تحت نظر قرار میدند . تعقیب شدید توسط چند نفر که بطور پیاره یا سواره عمل میکنند و از بیو، سیم استفاده مینمایند صورت میگیرد بدین ترتیب فرد را برای آنکه متوجه نشود بیکدیگر پا سنیدهند و در این موارد افراد تحت تعقیب باید با وقت خونسرد آنکه خود متوجه تعقیب شوند؛ و حرکات خود را کنترل نمایند . مسلما یک عنصر فعلی در عرض یک هفته اقلایک قرار ارتباطی دارد بنابر این ساواک با کنترل شدید در عرض یک هفته میتواند روابط فرد را کشف کند؛ بدین ترتیب روابط

فرد را به رد گیری ادامه میدهند و با کنترل بیشتر که شامل مشخص کردن اطرافیان و دوستان فرد مورد تعقیب میباشد روز بروز اطلاعات وسیعتری را گرد بیاورند . تلفنهای فرد و افرادی که روابطشان را کشف کرده‌اند تحت کنترل قرار میدهند و روابط تلفنی و قرار و مدارها را مشخص میسازند .

پس از کسب اطلاعات کافی است کمک ستگیری فریب پرداخته و با اتکاء به اطلاعاتی که کسب کرده‌اند او را مورد بازجویی قرار میدهند . البته باین دانست که با صرف کنترل تلفنی و رد گیری ساواک نمیتواند اطلاعات جامعی راجع به تمام فعالیتها و اقدامات افراد بدست آورد بلکه بکمک اطلاعات کلی افراد را دستگیر ساخته و با روش‌های خاصی که در بازجویی بکار میرند با افراد بلوغ زده و با تهدید و توطئی آنان را بدادرن اطلاعات وارد ار میسازند .

دستگیری - بازجویی - شکنجه - اعتراف :

پس از رد گیری ابتدائی و کشف برخی روابط بر حسب سیاستی که دارند ممکن است فورا یا باکمی

تا خیر بد ستگیری بپردازند.

ساواک در گذشته معمولاً پس از کشف بعضی از گروههای سیاسی، دستگیری آنان را موقول مناسبی مینمود تا حد اکثر بهره برداری را بنماید. مثلا هنگام ورود سرکردگان امریکائی چنین دستگیریهایی صورت میگرفت. دستگیریها معمولاً به بخش عملیات واگذار میشود که در مورد نحوه فعالیت این بخش در قسمت دیگری صحبت خواهد شد.

ممکن است فرد را در منزلش و یا محل کارش دستگیر سازند اینکار طبق نقشه صورت میگیرد و معمولاً بلا فاصله بعد از دستگیری خانه فرد را مورد بازرگاری میدهند تا مدارک تازه‌ای بر علیه فرد دستگیر شده پیدا کنند. معمولاً در شرایطی، که احتیاج زیابی بمدارک داشته باشند خانه را بسیار دقیق جستجو میکنند بنا بر این اگر در خانه جاسازی میشود باید جا سازی بسیار خوب تهیه شده باشد. نقاطی از قبیل زیر مبل و زیر فرش نباید مناسب تلقی شود، باید فکر بکر دیگری کرد. بازرسی

بدنی نه قیق از خود فرد نیز بعمل می‌آید که در صورت لزوم داخل آستین و لیفه شلوار و زیر پیراهن و نیز جستجو مینمایند و تمام لباسهای فرد را ازتش خارج میکنند. پس از دستگیری و جستجوی خانه، افراد را در سلولهای انفرادی بطور جد اگانه نگاه داری میکنند تا امکان ارتباط با یکدیگر و توافق پرسنگه‌ها را پیدا نکنند. پس از دستگیری بازجوئی آغاز میشود.

بازجوئی — بازجوئی و استنطاق اصولی دارد و در این باره کتابهای نوشته شده که بازیرسها و بازجوها با استفاده از تعالیم این کتب به بازجوئی میبردارند. این کتابها در کتابفروشی‌ها یافت میشود و مطالعه آنها مفید است. البته بازجوهای سازمان امنیت تجارت زیاری دارند و برخی از روسای آنها خود در این رشته متخصص هستند در بازجوئی‌های معمولی که هدف کسب اطلاعات بیشتر و احياناً جلب همکاری فعالین میباشد معمولاً ارزشیوهای خشن استفاده نمیشود. در این مورد

فرد را بیکی از شعبات ساواک توسط نامه دعوت میکنند یا اینکه محترمانه اورا به شعبه میرند . معمولاً فرد را هنگام مراجعه به شعبه مورد تهدید روانی قرار میدهند تا روحیه اش را ضعیف نمایند . مثلاً اورا مدتها بدون آنکه صحبتی با او بکنند و یا کسی به سراغش بیاید در روی یک صندلی در اطاقی که هیچ چیز بجز عدد صندلی در آن نیست قرار میدهند فرد که انتظار چنین صحنه هایی را ندارد ممکن است خود را ببازد یا اینکه در حالی که در اطاقی نشسته در اطاقه ای مجاور سر و صدرا راه اندادخته و وانمود میکنند که دارند کسی را کنک میزنند و باین وسیله قبل از اینکه هرگونه حرفی با طرف بزنند اورا متوجه آن شده وانمود میسازد که این دانسته ها مشتی است که نمونه خروار میباشد و تمام زندگی فرد را میداند . در اینجاست که موقعیت مناسبی برای بلوف زدن پیش می آید و فرد با آسانی بلوف میخورد و اعتراف میکند . در موارد دیگری ممکن است بازجو ردهای مشخصی داشته باشد و بخواهد بر مبنای اطلاعات و مدارکی که دارد اطلاعات بیشتری از فرد بیرون بکشد . در این موارد از بیخوابی ، کنک

و بازجوئی را شروع میکند . بازجو با اطلاعات قلصی که از فرد دارد اورا با اسم کوچک صدا میکند و اطلاعاتی راجع به حرکات و کارهای او میدهد و وانمود میکند که در جام جهان نمایش میتواند همه چیز را ببیند و همه حرکات را کنترل نماید و فرد هم که پیش از اanstه اورا تحت نظر گرفته اند حتی از اینکه یک آدم ناشناس اورا با اسم کوچک صدا میزند رچار بہت زدگی میشود چه رسید باینکه در مورد سینما رفتن هفتنه پیشش یا قرار ملاقاتش با فلانکس با او صحبت شود . بازجو معمولاً با ذکر چند مورد که در تعقیبات متوجه آن شده وانمود میسازد که این دانسته ها مشتی است که نمونه خروار میباشد و تمام زندگی فرد را میداند . در اینجاست که موقعیت مناسبی برای بلوف زدن پیش می آید و فرد با آسانی بلوف میخورد و اعتراف میکند . در موارد دیگری ممکن است بازجو ردهای مشخصی داشته باشد و بخواهد بر مبنای اطلاعات و مدارکی که دارد اطلاعات بیشتری از فرد بیرون بکشد . در این موارد از بیخوابی ، کنک

تهدید، تطمیع و تخریب روحیه استفاده میشود. در مواردی که فرد دستگیر شده در سلول انفرادی انداخته میشود معمولاً برای آنکه فرد را بیشتر بترسانند اورا شب‌ها برای بازجوئی میبرند زیرا شب بغلت تاریکی و سکوت از نظر روانی تاثیر بیشتری روی افراد میگذارد. بهر حال اورا به اطاق باز جوئی برده و مورد سوال قرار میدهد. در این موارد با تهدید و ضربه و شتم طرف را بحرف زدن و پاسخ دادن به سوالات دعوت میکنند و اگر با مقاومت فرد روپرداز شوند فشار خود را اضافه مینمایند. معمولاً کوشش نمیکنند تمام نقاط اسید فرد را از میان بینند. اظهار میکنند که همه چیز ازین رفته و همه رفقاً دستگیر شده‌اند و بعنوان نمونه یکی دو نفر از دستگیرشدگان را حتی نشان میدهند تا بلوغشان کاملاً کارگر بیفتد. با این حیله‌ها روحیه فیفرد را تضعیف مینمایند. پس از تضعیف روحیه و مشاهده آثار یاس در چهره زندانی، فشار خود را اضافه می‌کنند و اینبار اورا تهدید به قتل در زیر شکنجه می‌

نمایند و چشمی ضربات محکمی نیز بدآو وارد می‌سازند در این مرحله بسیاری از افراد بی تجربه قبل از آنکه حتی شکنجه‌ای را تحمل کرد هاشند لب بسخن میگشا بیند. مهمنترین حریه ساواک تخریب و تضعیف روحیه و بلوف میباشد. پس از ایند و از شلاق که موثرترین وسیله شکنجه میباشد استفاده مینماید زیرا شلاق در تداوم استعمالش توان و انرژی فرد را بتحليل میبرد و از نظر بدنی فرد را ضعیف و زرد میسازد. معمولاً شکنجه در تداوم این موثر می‌افتد. دشمن هم با آگاهی با این سئله در صورتی که بداند فردی دارای اطلاعاتی میباشد در ۲۴ ساعت اول بدون وقه فرد را زیر فشار قرار میدهد تا سریعاً بتواند سرنخ‌های جدیدی بدست آورد.

معمولاً وقتی بر اشرافشار روانی و جسمانی فرد لب بسخن گشود و شروع به اعتراف بدون رویه کرنده یگر کار تمام است و فرد تا آخر پیش میرود بطوریکه اگر برخانه یا قراری را لو بد هد خود شر را میبرند تا خانه را نشان بد هد یا آنکه خود شر را میبرند تا رفیقش را

سپر قوار نشان بد هد . در این مرد فرد تسلیم شده است .

افراد میتوانند با دادن اطلاعاتی که حساب شده است و در تحقیقات دشمن مورد تائید قرار میگیرد باز جو را سر در گم کنند و از دادن اطلاعاتی که خطرات جانی و مالی برای مبارزین دارد بخود داری کنند . معمولاً اظهار این مطلب که هیچ کس هیچ چیزی نخواهد گفت در همه موارد صحیح نیست . افراد بر حسب قدرت ایمان ، صلابت انقلابی تجربه و قابلیتشان در برخورد با باز جور فتار متفاوتی را ارائه میدهند . افرادی بوده اند که در زیر شکنجه تحت هیچ گونه شرایطی لب بسخن نگشوده اند . شاهرخ هدایتی یکی از این نمونه هاست . کسان دیگری بوده اند که اطلاعات محدودی در اختیار دشمن قرار داره اند ولی تمامی اطلاعاتشان را افشاء نمیکردند . در این موارد معمولاً باز جو مدارکی را در اختیار دارد و میخواهد که فرد تحت باز جویی توضیح کافی وید و نتناقض در مورد مدارک بددست

آمده بدهد و بر روی این مطلب پافشاری کرده ، فرد را زیر شکنجه میگذارد . در این موارد ممکن است عده ای بسته به قدرت مقاومت شان چند ساعت یا چند روز مقاومت کرده و بالاخره پس از اتمام توانشان اطلاعاتی بدشمن بدهند . باید توجه داشت که در این موارد فرد همه اطلاعاتش را نمی دهد بلکه قسمی از اطلاعاتش را که بتواند دشمن را از اراده شکنجه بازدارد در اختیار او میگذارد . ولی هستند کسانی که خودشان را کاملاً ولو میکنند و در این هنگام است که در ورقه بازجویی از تاریخچه زندگی خود گرفته تا تمام افرادی را که میشناخته اند ، اطلاعات جامعی در اختیار دشمن میگذارند حتی گاهی پا را فراتر هم گذاشته و حدسیات خود را در مورد فعالیت دیگران که پلیس هیچ اطلاعی از روابطشان ندارد در اختیار دشمن قرار میدهند که این اطلاعات بسیار سودمند می افتد .

نواب بوشهری دانشجوی پلی تکنیک از این نمونه هاست . او ۶۰ برگ ورقه بازجویی اطلاعات

در اختیار ساواک گذاشت و بالا خره خودش هم
عضویت ساواک را پذیرفت. (۱)

داستان باید حاوی واقعیاتی باشد که پلیس مطلع است. و در ضمن هیچگونه اطلاع تازه‌ای در اختیار او نداشت. این کار به فکر و دقت و زیرکی احتیاج دارد و فرد در تمام مدتی که در سلول انفرادی بسر میبرد باید روی این مسائل فکر کند و جوانب امر را مورد سنجه قرار دهد حتی اگر فرد زرنگ باشد گاهی اوقات از بازجو میتواند حرف بکشد، میتواند بازجورا به بن بست کشانیده و وارد ارشکند تا همه اطلاعاتی را که از او در آورد دارد کند. این نکته بسیار مهمی است این کار را میشود با عصبانی کردن بازجو، تحقیقو او در این مورد که افراد را بدون دلیل زیر فشار میگذارد انجام داد. در سلول انفرادی باید کوشش شود تا با سایرین تماس گرفته شود و اطلاعات کافی برای مقابله با بازجو فراهم شود. بلوف زدن یکی دیگر از شکردهای بازجویاست. موارد بسیار دیده شده است که بازجو با آنکه از مظلومی آگاهی در قیق نداشته صرفا بر اساس یک حدس بلوف زده است.

یک نمونه می‌آوریم: بازجويان برای ردگيري و

در اختیار ساواک گذاشت و بالا خره خودش هم
میشود که سئوال و جواب‌ها در این ورقه نوشته می‌شود. معمولا بازجوها پس از چند روز بازجویی همان سوالات اولیه را تکرار میکنند یا اینکه همان سوالات را بطرق دیگر مطرح میسازند تا در صورتی که فرد دروغی گفته باشد از آنجا که دروغگو کم حافظه است مطالب متناقضی با آنچه در گذشته گفته است بگوید. بازجوها معمولاً دنبال این تناقضات می‌گردند تا فراد را در بن بست گذاشته و او را وارد به گفتن اطلاعات واقعی سازند. گاهی اوقات ورقه‌های بازجویی را در اختیار فرد میگذارند تا خودش هر چه میخواهد بنویسد. در تمام این موارد باید متوجه بود مطالب را کاملاً حساب شده اظهراز کرد و اگر دروغی گفته شده باید در حق با خاطر سپرد. بهترین شکل اینست که با اطلاعاتی که از وضعیت دستگیر شدگان را درین راستان کاملی بسازیم، این

یافتن کسانی که در فتره واپیمایی (العال) اسرائیلی را در تهران آتش زده بودند تمام تیپهای را انشجوئی را که به دلائل گوناگون بازداشت کرد هبودند در ضمن بازجوئی‌ها به آنها بالحن تمسخر آمیزی می‌گفتند: خوب! ال عال را هم که آتش میزند، این بلوف را به همه میزند تا اینکه یکی از افرادی که واقعاً در این عمل شرکت کرد هبود دستگیر می‌شود. وقتی این بلوف را باو میزند و حشت زده شده و اعتراف می‌کند. باین ترتیب تمام افرادی که این عمل را انجام داده بودند شناخته شده و دستگیر می‌شوند. در موارد دیگر بلووهایی از این قبیل که: تمام رفقایتان دستگیر شده‌اند! همه چیز روشن شده! مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مثلاً فرض کنید دو نفر را دستگیر می‌کنند. بدینکنند که ما همه چیز را میدانیم. فقط میخواهیم تو اطلاعات ما را تائید کنی تا در رادگاه جرمت سبک تر باشد، هدف رهای تو و کم نمودن جرائم توست.

و بعد برای اینکه حرفهایشان مورد قبول قرار بگیرد از دور فرد دستگیر شده را نشان میدهند و می‌گویند این یکی از دستگیر شدگان است و مافلانی و فلانی و . . . را هم دستگیر کرده‌ایم و یا اینکه اطلاعاتشان را که بسیار محدود و ناقص است بعنوان گوشهای از اطلاعات از آنها ارائه میدهند، یا اینکه بفرد می‌گویند، اطلاع یافته‌ایم که تو در هفته آینده با کسی قرار ملاقات راری. ما خود طرف را دستگیر کرده‌ایم و جای قرار را گفته‌است. در اینجا فرد بسی تجربه متوجه بلوف نمی‌شود در حالیکه این موضوع خیلی روشن است که باحتمال ۹۵ درصد یک عنصر سیاسی نیمه فعال نیز در عرض یک هفته حتماً قرار ملاقاتی دارد و بلوف زننده غیب نگفته‌است ولی فرد بی‌تجربه متوجه قضیه نبوده و حرف آنها را باور می‌کند و باکمی فشار قرارش را افشاء می‌کند و پیش خود ش هم فکر می‌کند که افشاء قرار ملاقاتی که پلیس از آن مطلع است اشکالی ندارد.

نمونه‌هایی که ذکر شد مشتی از خروار بلوف.

های ساواک است. لذی افراد دستگیر شده نباید بهمیچیک از حرفهای آنان اعتماد کند. هر حرفی را تا علا برایش بدقت ثابت نشده باور نکند که البته همه اینها بهزیرکی و زرنگی فرد بستگی دارد. معمولا بازجویان دشمن برای زیر فشار گذاشتن مبارزین از شکنجه‌های بد نی استفاده میکنند ولی عامل اساسی تضعیف و تخریب روحیه میباشد. حتی شکنجه بد نی بمنظور تضعیف روحیه انجام میشود زیرا در نهایت وقتی فرد روحیه اش را باخت شروع بسخن گفتن مینماید لذا دشمن میکوشد هرگونه امید را از فرد سلب کرده و اعتقاد او را به پیروزی راهش ازین بپرسد. پس از اینکار به جسم او بیورش میبرد و با فشار های جسمی که شرح آن خواهد رفت فرد را تحت فشار قرار میدهد ولی این شیوه‌هابر یک مبارزانقلاء بی که با شیوه‌ها و تاکتیک‌های بازجویان دشمن آشنا است کارگر نمی‌افتد بالا خص آنکه یک مبارز انقلابی در شرابط دشوار جنگ ضد امپریالیستی میهن ما باید یک فدائی باشد و در هر لحظه‌آماده باشیم.

باشد که همه چیزش را بهرگونه که پیش آید در صورتی که ضرورت انقلابی ایجاد نماید فدا کند. یکی دیگر از شیوه‌های بازجویان دشمن آینست که قتل از آغاز شکنجه فرد را میترسانند و از شکنجه‌های شدیدتر که وجود خارجی ندارد صحبت‌نمایان می‌آورند.

در بازداشتگاه اوین ساختمان مخصوص بازار جوئی وجود دارد. در این ساختمان اطاقهای متعدد دی وجود دارد که تعداد آنها ۷ عدد است. در تمام این اطاقها یک تختخواب آهنه وجود دارد که مخصوص بستن دست و پای افراد است. فردی را که میخواهند شکنجه کنند باین اطاقها می‌آورند و یا فرد را به کنار تختخواب بسته و با شلاقی که از سیم بگسل بقطر یک سانتیمتر است شروع به زدن میکنند. معمولاً کف پا را شدیدا با این روش مضروب میسازند ضربات سنگین این شلاق سوزش و درد شدیدی در کف پاها ایجاد میکرد که معمولاً پس از ۲۰ ضربه منجر به بیهوشی ناشی از شدت درد میگردد. کف پا نه اثر این ضربات طوری مضروب میشود که فرد

قادر نخواهد بود روی پا هایش راه برود بلکه بایند
 چهار دست و پا حرکت کند . معمولاً پس از بیهوش
 شدن با پاشیدن آب به سر و صورت ، فرد را بهوش
 آورده و تهدید میکند که اگر اعتراف نکند مجدداً
 کار را شروع خواهند کرد . شلاق سیمی بدترین
 شکنجهها بوده و بیش از سایر شکنجه‌ها توانائی
 جسمی را از بین میبرد .

قتل در زیر شکنجه وجود داشته است . یکی از این
 موارد : رفیق شاهrix هدایتی و دیگری رفیق بهروز
 رهقانی بوده است که در زیر شکنجه شهید گشته است
 ولی آنها میکوشند که شکنجه بمrg منتهی نشود .
 البته کارهای دردناک و توانفرسای بسیاری
 وجود دارد که منجر بمrg نمیشود . معمولاً بازجویان
 رژیمی که نقطه ضعفی از فرد پیدا کنند روی همان
 نقاط ضعف فشار وارد میکنند . مثلاً بعضی‌ها را که
 حسیاست به لخت شدن داشته باشند ، لخت کرده و
 آنها را بتجاوز تهدید مینمایند . در مواردی این
 تهدید افراد را در چار ضعف ساخته و باعث شده
 است که لب باعتراف بگشایند . در مورد تحمل شکنجه
 معمولاً کسانی که خود را از نظر روانی برای مقابله
 با شکنجدگر آماده کرده باشند میتوانند تا پای مرگ
 مقاومت نمایند . البته باید دانست که منظور از مقاومت
 این نیست که مرد برای شکنجه‌های چارت و تباب
 نشود یا اینکه واکنش‌های طبیعی بدنش را در مقابله
 عوامل خارجی بروز ندهد . هرگونه عکس العمل از قبیل

فریار، بخود پیچیدن و غیره کاملاً طبیعی میباشد. چیزی که مهم است اینست که فرد اطلاعات خطرناک در اختیار بازجو نگذارد. حتی ممکن است در زیر شکنجه و فشار روحی بارها و بارها پیش بیاید که فرد خیال کند حوصله اش سر آمد و طاقت‌ش بیایان رسیده است ولی دقیقاً در همین لحظات است که باید سخن نگفت، درست در همین لحظات است که فرد میتواند و باید مقاومت کند. هیچگاه نباید فکر کرد که طاقت آدمی تمام شده است. انسان تا وقتی که زندگاست و ذره‌ای انرژی و جان در بدنش هست قدرت تحمل را هم دارد. کسانی که تا پای جان ایستاده‌اند اینگونه عمل کرده‌اند.

البتہ تجربه تحمل در ورنج در این مورد کمک بزرگی مینماید مثلاً در ویتنام هم اکنون چهره‌های بسیاری دیده میشوند که نسبت به شدیدترین درودها و رنج‌های جسمانی مقاومت تعجب انگیزی از خود نشان میدهند. تقریباً ۱۰۰٪ اسرای ویت‌کنگ در زیر شکنجه میمیرند و حرف‌نمیزنند و این بیشتر

با خاطر تجربه دردناک یک جنگ توده‌ای وجد ب این تجربه و تطابق طبیعی با این دردها و رنجهاست. با این ترتیب وضعی پیش‌آمده که این قهرمانان توده‌های جهان هنگام عمل جراحی لاوطلبانه بخواهند که بدون هیچگونه بیهوشی تحت عمل جراحی قرار بگیرند.

نتیجه گیری : ۱ - دشمن میکوشد روحیه شما را تضعیف کند و آنگاه با تعرض به جسم شما، شما را به زانو در آورد. او برای تضعیف روحیه شما از هر وسیله‌ای استفاده خواهد کرد و باید در مقابل تمام شیوه‌های او ایستادگی کرد و دانست که تمام این وسائل بمنظور فریب دادن و استفاده کردن از فرد برای دستگیری رفقای دیگر و ضربه زدن با نقلاب است. بنابراین هیچگاه نباید امید خود را ازدست بد هیم و فکر کیم همه چیز تمام شده است. این سلب امید از فرد همان چیزی است که دشمن میکوشند. امید از انجام دهد. حتی اگر رفیق شما را پیش روی شما آوردند و او بشما اظهار کرد که تسليم شوید وظیفه

یک انقلابی راستین اینست که بر روی آن رفیقت
بیند ازد واژه گونه تسلیم سرباز زند. چه بسا
آن رفیق در شرایط غیر طبیعی باشد. یک چریک
باید بداند که حق بنهایی باید به مقاومتوصارزه
ادامه دهد. حتی اگر در شرایطی بودیم که هیچ
 نقطه امیدی ظاهرا بچشم نمیخورد. باید متکی به
نفس و اراده انقلابی شخص خود بود و ایستادگی
کرد.

چریک یک عضو انقلاب جهانی برخطیه امپریا
لیسم است بنابر این هرگز نباید ننگ تسلیم به
امپریالیسم در حال احتضار را بپذیرد. مرگبمراتب
بر تحریر ناشی از تسلیم برای یک چریک رجحان دارد
۲ - در هنگام بازجوئی و در برابر دشمن همسواره
روحیه تعرضی خود را حفظ نمایید. این امر
 مقاومت شما را بیشتر مینماید.

۳ - به خشونت ها و نرمش های دشمن ببهائی
بند هید. تمام آنها بمنظور فریب شماست و جزئی از
نقشه پلیدی است که برای تسلیم نمودن شماکشیده اند

۴ - دقيقا تمام حرفهایی که از دهانتان خارج می
شود بخاطر بسپاریدتا در گفتگوهای بعدی دچار
تناقض نشوید.

۵ - هیچ حرفی که سر نخی بدست دشمن بدهد
از قبیل صحبت کردن از یک فرد، از یک مکان نباید زد.

۶ - قرار و مدارهایی که با سایر رفقا گذاشته اید را
دقيقا بخاطر داشته باشید و بهیچ قیمت از آنها
عدول نکنید.

۷ - تحت شکنجه هیچگاه فکر نکنید که زیگر طاقتان
تمام شده است. درست در همان لحظه که فکر می
کنید طاقتان تمام شده است میتوانید مقاومت کنید.

۸ - شما باید در مقابل فحش های زشت و هرگونه
آزارهای بد نی روحیه رزمnde خود را حفظ نمایید و
هیچگاه نقطه ضعفی بدشمن نشان ندهید.

۹ - هنگامی که شکنجه میشود به جمیله بپوشاد ختر
رزمnde الجزائری که در زیر وحشیانه ترین شکنجه ها
لب بسخن نگشود، بیاند یشید.

۱۰ - به اشرف رهقانی دختر انقلابی قهرمان ایران

پیامند یشید که مقاومت راهبرانه و متعرضانه اش جلارم
ساواک را بوحشت افکند . به شاهرخ هدایتی فدا
شی شهید خلق بیاند یشید که در حالیکه چشمانش
را از حد قه خارج کرده بودند حتی حاضر نشد یک
گلمه حرف بزند . به بهروز دهقانی فدائی شهید
بیاند یشید که قهرمانانه بدترین شکنجه‌ها را بجان
پذیرفت ولی لب بسخن گوئی با دشمن مزدور باز
نکرد . به مسعود احمد زاده فدائی شهید
بیاند یشید که رزیلانترین شکنجه‌هارا بمسخره گرفت
و هیچ نگفت .

فکر کردن باین شهدا ، روحیه رزمندگی را در
انسان بالا میبرد و انسان با طرز تفکر جدیدی با
مسئله برخورد میکند . همانگونه که این قهرمانان
مقاومت وزیدند ، شما هم خواهید توانست مقاومت
کنید .